

ذکاء الملک — ترتیب تهران که در مورد سابق گذشت این برای ولایات است و در ولایات هم یکسال باشد بهتر است .

آقا محمد بروجردی — این جا هم مثل ماده چهارم میخواستیم عرض بکنم که لفظ (مداومت) یک انداره ترخیص در کار میدهد از این جهت خوب است لفظ (مداومت بشغل) را (دخالت بشغل) قرار بدهند که رفع اشکال بشود .

ذکاء الملک — این جا مثل ماده چهارم نیست بلکه مقصود در اینجا اینست که همانطور که طبابت میکرده است حالا هم مداومت میکند ولی باید با اجازه وزارت معارف باشد .

رئیس — کمیسیون قبول میکند که مدت یک سال بشود از این جهت ماده نهم که اصلاح شده است قرائت میشود و رأی میگیریم (بعبارت ذیل قرائت شد .)

ماده (۹) — اشخاصی که تا تاریخ نشر این قانون در ولایات مشغول طبابت بوده اند باید تا یکسال بعد از نشر این قانون خود را بوزارت معارف معرفی کرده تحصیل اجازه نامه برای مداومت بنمایند لکن پس از انقضاء مدت شش ماه در هیچیک از نقاط مملکت ایران بهیچکس اجازه نامه داده نخواهد شد مگر بموجب اسناد مذکوره در ماده دوم این قانون .

رئیس — رأی میگیریم باین ماده نهم به ترتیبی که قرائت شد آقایانی که موافقتند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند) با کثرت (۴۹) رأی تصویب شد - بقیه شور این قانون اگر مخالفی نباشد بماند برای جلسه آتیه (اظهار شد مخالفی نیست) رایورت کمیسیون داخله راجع بتجزیه بلوچستان از کرمان بتقاضای معاون وزارت داخله جزء دستور امروز شد ولی چون این مسئله رجوع شد بکمیسیون از طرف کمیسیون داخله رایورتی داده اند قرائت میشود و رأی میگیریم .

(رایورت مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) کمیسیون داخله باحضور آقای وزیر داخله منعقد و طرح قانونی تجزیه بلوچستان از کرمان مطرح مذاکره گردید نظر بملاحظات دقیقه و اظهارات وافیة آقای وزیر داخله اینطور صلاح دیده شد که قبل از اینکه درست اطراف کار ملاحظه شده نقشه صحیحی برای این مقصود کشیده بشود نمیتوان در این خصوص بهیچوجه رأی داد لهذا کمیسیون داخله تصویب این امر را محتاج بچند جلسه مذاکره میدانند که حتماً باحضور آقای وزیر داخله داخل مذاکرات لازمه بشود چون ساعات انعقاد کمیسیون اتفاقاً مصادف با ساعات جلسه مشاوره وزراء بود قرار بر این شد که هفته یگروز کمیسیون داخله در ساعات بلا معارض منعقد شده در خصوص این مسئله مشغول مطالعات گردیده رأی خود را بعرض مجلس مقدس برساند .

رئیس — در واقع تقاضا کرده اند که عجلتاً بماند تاچندی بعد رأی میگیریم آقایانی که تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) اکثریت قریب باتفاق شد دستور پنجشنبه سویم

شور دوم در بقیه قانون طبابت — قانون گرفتن سوار از ایلات — اگر هم وقت پیدا کردیم طرح قانونی ترفیع رتبه نظامی مخالفی هست ؟

معزز الملک - بله .

رئیس - بفرمائید .

معزز الملک - مسئله اخذ سوار از ایلات سابقاً بمجلس آمده است ولی بیک جهتی از مجلس خارج شد یعنی وزیر جنگ تصور میکرد که محتاج بیک تجدید نظری در این لایحه خواهد بود و تصور نمیکنم تا حال تجدید نظر خودش را کرده باشند بنده گمان میکنم در این قبیل مطالب نباید داخل شد تاوقتیکه هیئت دولت مصمم نشود برای گذرانیدن آن و تا زمانیکه مهیای اجرای آن نشود ما نتیجه نخواهیم برد از اینکه یک همچو لوایحی بیاید به مجلس و مرأی بدهیم و بعد در طاق نسیان گذارده شود .

رئیس - اینرا چندین مرتبه تقاضا کرده اند و بنده جزء دستور گذارده ام حالا که جزء دستور میگذاریم مخالفت می کنید پس رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند که در دستور پنجشنبه گذارده شود قیام بکنند (اغلب قیام نمودند) رد شد پس دستور جلسه آتیه اینطور میشود — شور دوم در بقیة قانون طبابت و طرح قانونی راجع به ترفیع رتبه نظامی - در رایورت کمیسیون معارف راجع بماده ششم قانون معارف — از برای کمیسیون قوانین مالیه در جلسه آتیه باید یک نفر بجای آقای میرزا اسدالله خان و یک نفر بجای معتمدالتجار معین شود (مجلس نیمساعت از شب گذشته ختم شد) (حاج میرزا رضا خان) باصورت مشروح پس از ملاحظه نمایندگان محترم و اصلاح حضرت آقای حاج میرزا رضاخان مقابله شده صحیح است .

جلسه ۲۵۴

صورت مذاکرات یوم پنجشنبه

شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و چهل دقیقه قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک افتتاح و در سه ساعت و ربع قبل از غروب رسماً تشکیل گردید بصورت مجلس روز سه شنبه غره قرائت گردید

غائبین جلسه قبل غائبین بدون اجازه

آقا میرزا اسدالله خان . عز الملک غائبین با اجازه . آقامیرزا مرتضی قلیخان . آقامیرزا رضا نائینی . شیبانی . آقامیرزا ابراهیم قمی غائبین از وقت مقرر حاج آقا ناصر الاسلام . آقا سید محمد باقر ادیب . آقا سید حسن مدرس هر یک نیم ساعت دهخدا . نیرالسلطان . ۵۰ دقیقه بهجت . معدل الدوله . ۴۰ . اج امام جمعه ۲۵ دقیقه دکتر اسمعیل خان دوساعت . حاج وکیل الرعایا یکساعت و نیم

رئیس — سه فقره اشتباه شده است یکی اصلاح دکتر علی خان که نوشته شده کمیسیون قبول کرده قبل از آنکه کمیسیون قبول کند رأی گرفتیم و قبول شد یکی هم ماده طبابت که با کثرت ۳۴ رأی تصویب شد نوشته شده با کثرت ۴۳ رأی یکی هم ماده ۹ از قانون طبابت است که نوشته شده از رایورت دوم کمیسیون و از روی رایورت نمره سیم کمیسیون بوده است هر ۳ فقره اصلاح میشود

ذکاء الملک — اینجا که از قول بنده نوشته شده است که عرض کردم ممالکی که مدارس طبی دارند باید تصدیقنامه آنها قبول شود عرض کردم ممالکی که مدارس طبی دولتی دارند

رئیس - لفظ دولتی اضافه میشود - دیگر ملاحظاتی هست .

عز الملک - بنده هم اجازه خواسته بودم

رئیس — راجع بغیبت است .

عز الملک - بلی

رئیس - این مسئله راجع باداره مباشرت است بآنجا اظهار فرمائید بهیئت رئیسه میرسد

عز الملک — اگر اجازه بفرمائید عرض می کنم .

رئیس - عرض کردم اگر راجع بغیبت است

باداره مباشرت رجوع فرمائید اجازه نمیدهیم

عز الملک - مقصود بنده این نیست که چهار

هزار اداره مباشرت از بنده بگیرد میخواستیم که یک ساعت بی اجازه غائب شده باشم (در این موقع زنگ زده شد)

عز الملک برخاست از جای خود بیاین آمد اظهار کرد اینجا که نطق آزاد نیست .

رئیس - بشما اخطار میکنم (عز الملک باتغیر

بخيال خروج از مجلس حرکت کرد)

رئیس — اخطار بشما می کنم باقید در

صورت مجلس

عز الملک - در حین بیرون رفتن از مجلس

اظهار کرد که ده مرتبه در صورت مجلس قید

بفرمائید .

رئیس - ماده ۱۲۸ نظامنامه را بمضمون ذیل

قرائت نمود .

ماده ۱۲۸ مواخذه در موارد ذیل است: اولاً

نماینده که پس از اخطار باقید در صورت مجلس در

همان جلسه مجدداً از دائره نظم خارج میشود

رئیس - تقاضا میکنم که ماده ۱۲۸ راجع

بمواخذه باید در حق عز الملک که از دائره نظم خارج

شدند و آقایان ملاحظه کردند اجرا شود رأی می

گیریم آقایانیکه مواخذه را تصویب میکنند در حق

ایشان قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت ۴۸ رأی تصویب شد

آقا میرزا احمد — بنده اخطار نظام

نامه دارم .

رئیس — در چه مسئله اخطار نظامنامه

دارید .

آقا میرزا احمد - در همین مسئله که

رأی گرفتید .

رئیس - بفرمائید .

آقا میرزا احمد - مستمسک حضرت عالی بی

اجازه حرف زدن او و حرکت ایشان از صندلی

بود وقتی که اخطار فرمودید دیگر مخالف نظم

رفتار نکردند .

رئیس - بله اخطار کردم ولی بعد از اخطار

بایستی که برگشته باشند بجای خودشان و حال

اینکه اظهار داشتند که هر چه میخواهید بکنید و از

مجلس خارج شدند - دستور امروز قانون طبابت

قانون ترفیع رتبه نظامی - ماده ۶ از قانون معارف شروع میکنیم بقانون طبابت ولی بیست نفر از آقایان تقاضائی کردند راجع بقانون طبابت قرائت میشود و رأی میگیریم (تقاضای مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

چون در بعضی از موارد قانون تجدید طبابت نظریات مهمه است و از کمیسیون صحیه مجلس شورای ملی هم نگذشته در صورتی که این کمیسیون خصوصاً میبایستی عقاید خود را در این لایحه بمجلس مقدس عرضه میداشت لهذا این بنده تقاضا مینماید که این لایحه را بآنجا رجوع فرموده با حضور وزارت داخله و وزارت معارف مذاکرات لازمه بعمل آورده و نظریات خود را ضمیمه کرده تقدیم مجلس شورای ملی نماید (امضا کنندگان دکتر حیدر میرزا رئیس کمیسیون ۱۶ نفر دیگر از نمایندگان) .

دکتر علیخانی - این پیشنهادی که شده است بنده هیچ ملتفت نمیشوم که از روی چه موضوع و از روی چه قاعده است یک لایحه از طرف وزارت علوم پیشنهاد مجلس شده است و مدتها است در دست نمایندگان بوده است و آنچه نظریات و مطالعات در آن لازم بوده است بنظر بنده کرده اند بعد از آنکه از کمیسیون راپورت او داده شده است آقایان نمایندگان هم ملاحظات و مطالعاتی که میبایستی بکنند کرده اند و آنچه هم باید در شور اول مذاکره بشود شده است و بعد هم یک مدتی گذشته است تا رسیده است بشور دوم چند ماده او هم گذشته است و حالا بعد از این همه مدت و مذاکرات اظهار کرد که بعضی نظریات در این جا هست باید بشود بنده هیچ نمی فهمم که معنی این چیست و اگر اینطور باشد ممکن است که هر قانونی سه سال در مجلس بماند برای اینکه شور دویمش که تمام شد چند نفر تقاضا کنند که بعضی نظریات هست و باید مجدداً در این قانون آن نظریات بشود البته کمیسیون وقتی که این قانون را مطالعه میکرد بهم آقایی که در این خصوص لازم بود اطلاعات داده شد و حال آنکه لازم نبود بجهت اینکه در مجلس همیشه گفته میشود که راپورت کدام کمیسیون بمجلس خواهد آمد و خود آنها بدون اطلاع مخصوصی میتوانند که بکمیسیون معارف تشریف بیاورند و هر گونه نظریاتی داشته باشند بفرمایند و تمام کمیسیون معارف یعنی آنچه را که صحیح بود قبول میکرد و کمیسیون هم هیچوقت مذاکراتی نمیکند با حضور وزراء یا معاونین آنها تا نظریات آنها را نبیند راپورتی نمیدهد قبل از نظریات وزراء بعد از اینهمه مذاقه و مدتی که طول کشیده است و حالا تقریباً این یکی از قانونهای صحیحی است که از برای وزارت معارف میخواهد بگذرد و نباید باین ترتیبی که هیچ صحیح نیست مانع شد و کمیسیون صحیه را هم که فرمودند کمیسیون صحیه برای خاطر یک مطلب بتقاضای آقای دکتر امیرخان منعقد شد و بعد هم منحل شد دیگر کمیسیون باقی نیست که بکمیسیون برود و بر فرض هم که بخواهند آن کمیسیون را مجدداً منعقد بکنند اعضاء آن همان اشخاص خواهند بود که در کمیسیون معارف بوده اند و در خارج هم

در این قانون نظر کرده اند بنده ابداً صلاح نمیدانم این قانون باین ترتیب برگردد و در واقع توقیف بشود وقتی که رفت دیگر معلوم نیست که کسی خواهد آمد بمجلس .

آقا میرزا ابراهیم خان - یکی از امضا کنندگان این پیشنهاد بنده بودم و البته نظریاتی داشتم که تقاضای حضرت والا دکتر حیدر میرزا را همراهی کردم و بنده بکلی مخالف بودم با عنوان قانون تجدید طبابت مثل اینکه از اول هم در هیچ ماده از موادش رأی ندادم و حالا این موقع را غنیمت می شمارم که با اجازه مقام ریاست این عرض را کرده باشم ما نباید همینقدر دل خوش باشیم بر اینکه فصولی چند باسم مواد بی معنی قانون از مجلس بیرون داده باشیم ما باید بدانیم که آیا این قانون در خارج از مجلس پیشرفت دارد یا ندارد و عنوان آن صلاحیت دارد یا ندارد در ماده دوم این قانون میگوید کسانی که پنجسال الی ده سال طبابت کرده باشد نمیتوان بآنها اجازه طبابت داد مگر :

رئیس - اینقدر تفصیل لازم نیست برای اینکه در خود این قانون حرفی نیست در این پیشنهاد است که این قانون برود بکمیسیون یا نرود .

آقا میرزا ابراهیم خان - اینطور که میفرمائید بنده همینقدر عرض می کنم که با این قانون مخالفم و با توقیفش موافق دیگر از این مختصر تر چه عرض کنم .

وحید الملک - از دلیلی که برای تأیید این پیشنهاد اظهار شد بنده هیچ قانع نشدم چنانچه آقای دکتر امیرخان گفتند کمیسیون صحیه یک کمیسیون دائمی نبود کمیسیونی بود که از برای یک کار معینی و شخصی منعقد شد بعد از گذشتن آنکار منحل شد و بنده آنرا کمیسیون رسمی که در نظامنامه قید شده باشد نمیدانم و بنده نمیدانم چه کمیسیونی از برای حل یک چنین مسئله بهتر از کمیسیون معارف خواهد بود و برای اینگونه امورات انتخاب شده است و این قانون قریب یکسال است که در کمیسیون مصارف بوده و تقریباً وزارت معارف پی در پی که تجدید شده است در این نظریات خودشانرا کرده اند و بعد از آن نظریات بمجلس آمده است و بنده هیچ ضرری نمی بینم یک قانونی که علمی و برای مملکت لازم است بیاید بمجلس پس از مذاقه زیاد بگذرد نباید بمیلی بعد از تنقیدات لازمه نگذرد که منافع بزرگی راجع بصحیه عموم نشود .

رئیس - گمان میکنم که مذاکرات پیش از این در اینخصوص لازم نباشد .

دکتر حیدر میرزا - اجازه بفرمائید نظرات خودم را عرض کنم .

رئیس - بفرمائید .

دکتر حیدر میرزا - سه نظر اینجا هست که این فرق کرده است یکی آنکه وزارت معارف این قانون را راجع بطهران خواسته بودند ابتداً حالا برگشته است راجع بعموم ایران و دیگر آنکه در میان طب ایرانی و فرنگی که ماهر دورا استعمال میکنیم حدودی معین نکرده است که تکلیف اطبای ایرانی و طبایرانی چیست گذشته از اینکه وزارت معارف قبول کنند این

قانون را میخواهیم بدانیم وزارت داخله که مجری است اینرا قبول می کند آیا نظریات قبول خودش را باین ترتیب اظهار کرده است یا خیر ما برای اینکه هم تکلیف طب ایرانی و فرنگی معلوم شود و هم وزارت داخله نظریات خودش را بگوید و میتواند طبی که در ایران معمول بوده است حالا تجدید شده و در طهران ابتداء منظور بوده حالا بتمام ولایات تعمیم داده شده است اجرا نماید این تقاضا را کردیم که با این نظریات برگردد بمجلس و هر طور که مجلس رأی میدهد بگذرد .

رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد آقای دکتر حیدر میرزا و پانزده نفر دیگر که تقاضا کرده اند **دکتر حیدر میرزا** - اجازه بفرمائید کمیسیون صحیه منعقد شود هر چه طیب هست در آنجا حاضر شوند برای مذاکره (زنک زده شده)

رئیس - بگذارید بنده مطلب را بگویم تمام که شد آنوقت اجازه بخواهید نطق کنید بی اجازه چرا - حالا رأی میگیریم باین تقاضائی که شده آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (تصویب نشد) ماده دهم قرائت میشود .

(ماده دهم بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده ۱۰ - هر کس برخلاف مقررات مواد فوق بشغل طبابت مشغول شود در نوبت اول منع میشود و در نوبت دوم چهارماه حبس و در نوبت سوم یکسال محبوس خواهد شد .

دکتر حیدر میرزا - بنده عرضم در این ماده نبود آنجا که امضاء کرده ام در کلی است و در تمام این مواد عرض دارم .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - اینکه نوشته اند در نوبت اول منع میشود اینرا نفهمیدم منع که بموجب این قانون شده است دیگر منع میشود یعنی چه منع که مجازات نیست باید یک چیزی باشد قانون خودش منع است .

ذکاء الملک - منع مقصود این است که نمیگذارند طبابت بکنند یعنی یک شخصی یک محکمه باز کرده است بدون اینکه رعایت مواد این قانون را کرده باشد دولت همینکه ملتفت شد فوراً در باره او یک مجازاتی اجراء نمیکند میروند با او میگویند که نباید طبابت بکنید مگر اینکه اجازه نامه از دولت داشته باشید مطب او را می بندند شاید کسی بوده است که واقعاً اطلاع نداشته است چون اسباب انتشار قانون در مملکت ما بآنسهولت که در سایر جاهها میشود نیست و شاید آن شخص بدون قصد مخالفت عمدی مطب باز کرده باشد مقصود اینست که سختی زیاد نکرده باشیم و اطباء چون مردمان محترمی هستند فوراً بمحض این که یک حرکت خلافی کردند نبایستی آنها را مجازات کنیم اول منع میکنیم بعد از منع اگر دو باره دیدیم که همان خلاف را کرد معلوم میشود که متعمد و سرکش است آنوقت مجازات میشود .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - باز آنچه من عرض کردم جواب داده نشد منع میشود یعنی چه یعنی دولت میگوید که این کار را نکن این قانون که وضع شد بالطبع منع میکنند پس این اخطارات بنویسند اخطار میشود یا چیزی دیگر والا منع میشود منع که شده است بموجب این قانون .

مخبر - اگر کلمه منع را کافی نماند بهر کلمه را که پیشنهاد میکنید قبول داریم.

رئیس - برای این که معطل نشویم ماده ۱۱ را میخوانیم بعد در ماده دهم که پیشنهاد شد رأی میگیریم.

ماده ۱۱ - در اول هر سال صورت اسامی اشخاصی که اجازه نامه طبابت بآنها داده شده است یا موجبات حصول اجازه نامه توسط وزارت داخله اعلام خواهد شد.

رئیس - مخالفی نیست؟ (مخالفی نبود) رأی میگیریم باین ماده که در راپورت اولی ماده ۹ بود حالا ماده ۱۱ شده است آقایانیکه موافقتند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - تصویب نشد (بعضی اظهار کردند که ملتفت نشدید)

ذکاءالملک - بنده نمیدانم که علت تصویب نشدن این ماده چه بود چه مخالفتی داشتند با این که هر ساله اشخاصیکه اجازه نامه میگیرند اسامی آنها اعلان شود که مردم بدانند.

رئیس - علت را لازم نیست بدانید رأی گرفتیم رد شد.

ماده ۱۲ - بعد از انتشار این قانون هیچ طبیبی برای امور صحیح و طیبه در ادارات دولتی مستخدم و اجیر نخواهد شد مگر این که بموجب اسناد منکوره در ماده دوم دارای اجازه نامه طبابت باشد.

رئیس - مخالفی نیست؟ (مخالفی نبود) رأی میگیریم باین ماده ۱۲ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (با کثرت ۵۶ رأی تصویب شد) ماده ۱۳ قرائت میشود.

ماده ۱۳ - نسخه رمز کلیه ممنوع است و هر طبیبیکه نسخه رمز بدهد مجازات او ۴ ماه حبس خواهد بود.

توضیح - نسخه رمز عبارت از نسخه هائی است که تمام دوا خانه ها نتوانند اسم دوا یا مقدار آن را بفهمند.

محمد هاشم میرزا - این عبارت واضح بمقصد نیست بجهت این که نوشته است نسخهای رمز نسخهایست که تمام دوا خانه ها نفهمند ملاحظه طهران را نباید بکنید باید جاهای دیگر راهم ملاحظه کنند زیرا بعضی دوا خانه ها نسخه خط فرانسه را هم نمیتوانند بفهمند و حال آنکه فرانسه نوشتن معلوم نیست که رمز باشد و حال این که نوشته است تمام دوا خانه ها نتوانند بفهمند عرض میکنم این برای تمام دوا خانه ها اشکال خواهد شد طوری نوشته شود که بفهمانند که خطوط غیر فارسی یا اوزان غیر متقال بنویسند که اسباب اشکال نشود که اسباب زحمت برای اطباء نشود.

مخبر - نسخه اگر رمز نباشد همانطور که فرمودند با فارسی است یا یکی از زبانهای متداوله اگر فارسی است که البته همه دواخانه ها میخوانند اگر هم فرانسه است دواخانه مکلف است در صورتی که دولت نسخه فرانسه را قبول داشته باشد که بفهمد مگر اینکه رمز باشد و بعضی اطباء هستند که نسخه رمز را

معمول میدارند حالا مقصودشان از اینکه نسخه رمز می دهند چیست مقاصد مختلفه شاید داشته باشند و ممکن است که مقصودشان این باشد که یک دواخانه مخصوصی بتواند این نسخه را بفهمد که با خود طبیب معاهده داشته باشد و سایر دواخانه ها نتوانند آن نسخه را بفهمند و آن دواخانه مخصوص هر طور میل دارد با مشتری رفتار کند و این مسلم است که باید ممنوع باشد گویا نماینده محترم هم مخالفت ندارند ولی یقیناً نسخه که رمز میباشد همه دواخانه ها می فهمند مگر دواخانه قاصر باشد و چنین دواخانه باید از طرف دولت از دواسازی ممنوع بشود چنانچه یک قانونی هم در خصوص دواسازی در کمیسیون هست و عنقریب بمجلس خواهد آمد

دکتر حمید زهیر زار - عرض میکنم این عبارت چنین می فهماند وقتی که یک دواخانه اینرا خواند این ایراد مرتفع می شود پس خوب است یک طوری بنویسند که بهتر باشد شاید دواخانه مخصوصی باشد که بفهمد کافی نیست باید تمام دواخانه ها بفهمند والا این حکم ظاهرش مرتفع میشود.

دکتر علیخان - گمان میکنم که این عبارت خوب مطلب را بفهماند نوشته است که رمز نسخه ایست که تمام دواخانه ها نتوانند بفهمند که اگر بروند نزد یکی که تفهیمند کافی نیست سایرین میگویند ما نمی فهمیم این معلوم میشود که باید تمام دواخانه ها یعنی هر دواخانه که این نسخه را ببرند بپلوی او بفهمد این دیگر کفایت میکند و عبارت دیگری لازم نیست

محمد هاشم میرزا - عرض بنده سوء تفاهم شده است بنده با ماده مخالفت نداشتم که چرا رمز نوشته شده بلکه اگر یک قانونی همانطوریکه فرمودند که در کدام وقت دولت اجازه می دهد که دواخانه باز کنند آنوقت درست است ولی باینکه هیچ ترتیبی نیست این عبارت را اگر بخواهند قید بکنند که باید تمام دواخانه ها بفهمند در این صورت می بینم اغلب دواخانه ها کلیات برای دوا فروشان ندارند اوزان را کاملاً میدانند نه اینکه نسخه را که غیر فارسی باشد بفهمند بخصوص که اگر هم فارسی نوشته شود نمی دانند مگر اینکه قید شود اینجا که تمام آنها بفهمند اگر آنها تصریح بشود بنده تصدیق دارم و الا مجرد این عبارت که نوشته شده است بنده کافی نمی دانم.

مخبر - همین چندروزه بمجلس می آید و این را رجوع بدواسازی است.

رئیس - گویا مذاکرات کافی است (گفتند کافی است) رأی میگیریم باین ماده ۱۳ آقایانیکه موافقتند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت ۵۷ رأی تصویب شد.

ماده ۱۴ - وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون را از چهار ماه بعد از نشر آن در تهران و از شش ماه بعد از نشر آن در ولایات بوقوع اجرا گذاشته شود.

ذکاءالملک - عرض میکنم که باید آن شش ماه را یکسال نوشت بموجب رأی که در سابق داده شده است.

رئیس - مجدداً با تبدیل شش ماه یکسال قرائت میشود رأی میگیریم.

(ماده ۱۴ - مجدداً بعبارت ذیل قرائت شد.)

ماده ۱۴ - وزارت داخله مراقب خواهد بود که مدلول ماده اول این قانون را از چهار ماه بعد از نشر آن در تهران و از یکسال بعد از نشر آن در ولایات بوقوع اجرا گذاشته شود.

رئیس - رأی میگیریم آقایانی که ماده چهاردهم را بطوری که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند - (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت ۵۶ رأی تصویب شد حالا مذاکره در کلیات است.

آقا شیخ ابراهیم - ماده دهم مانده است و بنده پیشنهادی کرده ام.

رئیس - بله صحیح است پیشنهاد آقای زنجانی قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم عبارت ماده دهم چنین اصلاح شود در نوبت اول با اخطار شود.

رئیس - عقیده کمیسیون در این باب چیست؟

مخبر - این اصلاح را که نوبت اول اخطار شود کمیسیون قبول دارد.

رئیس - پس ماده ۱۰ باین اصلاح قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۰ - هر کسی بر خلاف مقررات مواد فوق بشغل طبابت مشغول شود در نوبت اول باو اخطار میشود و در نوبت دوم چهار ماه مجبوس و در نوبت سوم یکسال مجبوس خواهد شد.

رئیس - رأی میگیریم باین ماده ده بطوریکه قرائت شد آقایانی که موافقتند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت ۵۷ رأی تصویب شد ماده ۱۱ را چه باید کرد اگر کمیسیون صلاح میدانند طور دیگر پیشنهاد کنند.

مخبر - حالا که تصویب نکردند این ماده را باشد دولت هر وقت لازم دانست البته اسامی را اعلان خواهد کرد و محتاج بقانون نیست.

رئیس - حالا مذاکرات در کلیات است.

دکتر حمید زهیر زار - بنده از ابتدا هیچوقت مخالفت با قانون طبابت و تحدید آن نکرده و نمیکم البته باید قانون باشد که توسط آن قانون اطباء داننا تر و بصیرتر و عالم تر بشوند ولی باین ترتیبی که لایحه وزیر معارف را دیدم که دو سه ماده او تغییر داده شده و اجرائش را مشکل میدانم یعنی قابل اجرا نیست از این جهت ابتدا باین نظر مخالفت کردم و الا مخالفت با لایحه ندارم بهیچ وجه من الوجوه از این جهت عرض میکنم مثلاً نوشته است مطلقاً در ایران طهران را بابل کرده اند باین آنهم بعد از شش ماه یا یکسال دیگر این چگونه میشود در سایر ولایات که طبیب هایش از اینجا میروند و در آنجا مجمعی نیست که تمیز و تشخیص بدهند که آیا قابل هستند یا نیستند مگر آنکه آنها از حکومت محل یک تصدیقی بگیرند و بفرستند بوزارت معارف و یک پنج تومانی بدهند تصدیق نامه بگیرند اگر اینطور است که باینطور نمیشود جلوگیری کرد و اینکه سهولت داده شده است باین زیرا ممکن است نظر

بآن اخلاقی که عادت کرده اند صدمه باری بکوره بزنند که این شخص که دو سال طبابت کرده پانزده سال بنویسند آنوقت وزارت معارف هم مجبور است که پنج تومان بگیرد و تصدیق بدهد و اینکار را که میخواهند رویه بهتر ببرند اینطور بدتر میشود از این جهت بنده باینکه به تمام ولایات تعمیم داده شود مخالفم و عرض میکنم که ابتدا باید در طهران این شرایط بعمل بیاید و بعد در سایر ولایات شروع شود و بهمین ترتیب اسباب تکمیل لوازمات اینکار بشود و در خود طهران یک ایراد دارم آنچه در لایحه وزیر نوشته است از پنج سال بیلا تا ده سال اشخاصی که طبابت کرده اند مجاز هستند بطبابت بشرط آنکه در مدت سه سال سالی سه مرتبه بیایند امتحان بدهند به ترتیبی که معین است و همان ترتیب را نوشته اند و حال آنکه این عبارت آن مقصود را توضیح نمیکند که میانه پنج سال الی ده سال باشد گذشته از اینها اشخاصیکه با طبای ایرانی مداوا میکنند ادویه فرنگی را استعمال میکنند در حدود اینها چگونه میشود اینکار را کرد و آنها تحصیلی را که کرده اند تمام شرح نفیس است و شرح اسباب و قانون شیخ رئیس و اینها را بهیچوجه من الوجوه قبول نخواهند کرد بالفرض هم اگر حالا ادعا میکنند که طب فرنگی فردا خواهند گفت ده قلم دوا فرنگی را بیشتر استعمال نمیکنیم و اصلاً نسخهای مادوهای ایرانی است از این جهت بنده اشکال کلی در پیشرفت اجرای این قانون می بینم.

مخبر - اما در این که تعمیم این قانون را در ولایات میفرمایند اسباب اشکال است و زیاد تجدید شده است غیر از این چاره نیست هر وقت دولت بخواهد یک قانونی از برای تجدید طبابت بنویسد چاره جز این ندارد که بگوید تا امروز کسانی که طبابت کرده اند بکنند و لکن از امروز به بعد کسی حق طبابت کردن ندارد مگر اینکه تحصیل کرده و اجازه نامه داشته باشد باین ملاحظه در ولایات میگویم که این قانون را باید تعمیم داد منتهی این است که چون امر طبابت یک امر مهمی است و راجع بنفوس مردم است در طهران میتوانیم بعضی شرایطی هم قرار بدهیم که اطباء طهران بصحت نزدیک تر باشند و اگر در طهران هم آن محدود ولایات بود مجبور بودیم که آنطور رفتار بکنیم ولی از این جهت به بعد بخواهد طبابت بکنند حق ندارند مگر بعد از آنکه تحصیل اجازه نامه از دولت بکنند و امادر خصوص طب ایرانی و فرنگی نباید گفت منتهی اینکه سابقاً از روی کتب مخصوص اطباء مدارس میخوانند بعد از اینهم از روی آن کتابها درس خواهند خواند هم از روی کتابهای دیگر و باین ترتیب مسلم است که معلوماتشان زیادتر خواهد شد و در مملکت طب و طبیب آنست که دولت تصدیق کرده باشد هر کسی را که دولت تصدیق کرده آن طبیب است ام از اینکه طب فرنگی خوانده باشد یا ایرانی مجاز است حالا البته بعد از این دولت تصدیق نخواهند کرد تحصیل کسیرا مگر در صورتیکه تحصیل طب فرنگی کرده باشند اگر لازم میدانند که طبیب تحصیلات ایرانی هم کرده باشد یقیناً در مدارس قرار میگذارند که طب ایرانی هم تدریس بشود و اگر لازم ندانست منحصر میکنند

بطب فرنگی و طب ایرانی را متروک میکند در هر حال این باعث این نمی شود که تمیزی بین طب ایرانی و فرنگی قرار بدهیم دولت یک طب می شناسد و یک طبیب حالا آن طبیب چه طبی بخواند مطلب دیگری است مثلاً شاید امروز رأی دولت این باشد که هم قانون شیخ رئیس بخوانند هم طب فرنگی یا شاید دولت یعنی آن اشخاصیکه بصیرت دارند از طرف دولت بگویند که ما طب ایرانی بهیچوجه محتاج نیستیم طب جدید کافی است و هر طبیبی که طب فرنگی خوانده باشد مجاز است و اگر طب ایرانی خوانده باشد مجاز نیست در این باب ما هیچ محتاج باین مذاکرات نیستیم بنده بنظر دولت است و در قانون لازم نیست چیزی در این خصوص ذکر شود.

رئیس - آقای حاج سید ابراهیم مخالف هستید - بفرمائید.

حاجی سید ابراهیم - بنده در کلیه این قانون اساساً در تجدید اطباء مخالف نیستم ولی چون لایحه وزیر اختصاص طبابت داشت و راپورت کمیسیون شامل دندان سازی هم میشود و چون مسلماً ضرر کمالات بی وقوف بیش از طبیب بی وقوف است.

رئیس - صبر کنید شما که مخالف هستید شما یک چیزی پیشنهاد کردید راجع بیک جائی و ماده اول جواب این پیشنهاد را میدهم که بآن ترتیب رفت کمیسیون و آمد دیگر لزوم ندارد اظهار سراسر کار را آقای لسان الحکماء موافق الحاقیه پیشنهاد کرده اند حالا که موافقت نیست و در کلیات حرفی دارید بفرمائید.

لسان الحکماء - بنده عقیده ام این است که برای اجرای هر قانونی نظر هیئت وزراء اول شرط است مخصوصاً نظر وزیر داخله در اجرای قانون مملکتی خیلی اهمیت دارد و اینجا بنده در مذاکرات مخبر کمیسیون چندین شنیدم که فقط وزیر معارف با معاون وزارت معارف تشریف داشتند و اگر وزیر داخله تشریف نداشته اند و نظریات خودشان را نکرده باشند و مستحضر نیستند بنده پیشنهاد می کنم که رأی کلی را موکول بکنند باینکه وزیر داخله از این قانون مستحضر بشود و بعد رأی کلی را بگیرند.

آقا شیخ ابراهیم - اصل نظر در این قانون بر اینست که دولت بشناسد اشخاصی که در مملکت حق دارند طبابت بکنند که هر روز یک کسی بر نخیزد طبابت بکنند که دولت با او حرفی نداشته باشد و مؤاخذه نتواند بکنند که تو چرا آدم کشتی چرا دوا دادی مقصود اینست که در هر ولایت بدانند که اذن بدهد ولو اینکه اشخاصی که خیلی بدند آنها را هم اذن بدهد لکن بشناسد و صحیح است بدانند در فلان شهر چند نفر و در فلان ده چند نفر را اجازه داده و بآنها بگوید شما مسئول هستید تا آنکه دولت این اشخاص را بسمت طبابت شناخته و غیر اینها را نخواهد شناخت و کسی غیر از آنها اگر دست باینکار زد و مؤاخذه بکنند همچو قانونی در مملکت خیلی لازم است داشته باشیم حتی در دهات این دلاکها را دیده ایم که میخزند هر طبابتی که دلشان میخواهد می کنند حالا خوب یا بد یا چند سال طبابت کرده باشد یا فلا نشتر را دارا باشد

لا اقل باید دولت اجازه بدهد و بشناسد در این شهر که این مملکت چند نفر از طرف رجوع واقع شده اند و اشخاص دیگری اگر متصدی عمل شوند جلوگیری بکنند و این کسانی که طرف توجه و رجوع و مجاز شوند البته تو بیات عملیات آنها را هم خواهد دید باید قانونی باشد همان کسانی که طبابت کرده اند باید امتحانات بدهند که چطور دوا داده اند فهمیده مداوا کرده اند یا خطا کرده اند صحیح بوده است غیر صحیح بوده است و جلوگیری می کند از کسانی که طرف توجه نیستند چنین قانونی لازم است لکن این اساس آن کار است حالا اگر نواقص دارد آنهم تکمیل خواهد شد آنچه هم راجع به دوا اظهار شد ابتدا ربطی بدوا سازی نداشت طبیب نباید نسخه رمزی بدهد دواسازها طبیب ها را می بیند و با دوا خانه سازش می کنند مثلاً شیورینی را - میسوری می گویند آنوقت دوا صد دیناری را می دهد پنج هزار یعنی ساختگی و یک دوائی می نویسد که غیر از خودشان دیگری نفهمد نسخه باید طوری باشد که اگر این دوا فروش قیمت آنرا گران گفت آن دیگری بگوید من می دهم اگر این هم گران داد ببرد جای دیگر او بگوید من می دهم پس این ربط بطبابت ندارد بنده این قانون را لازم می دانم که بگذرد.

حاج شیخ اسدالله - میفرمائید که خیلی لازم است چنین قانونی برای مملکت بنده هم میگویم خیلی لازم است نه فقط قانون طبابت بلکه خیلی از قوانین دیگر ولی افسوس میخورم که نمی توانیم فعلاً در مملکت جاری بکنیم اما قانون طبابت یک قانونی که بتوانیم در مملکت جاری بکنیم و اسباب زحمت برای مردم و دولت فراهم نشود آنرا بنده مخالف نیستم اما آن ترتیب قانون این نیست برای اینکه در دو سه ماده این بنده خیلی اشکال می بینم و تصور نمی کنم باین مذاکراتی که اینجا می شود بتوان اصلاح کرد مثلاً یکی حکایت تحصیل اجازه برای اطباء خارج از مرکز مثل اینکه در همان ماده هم عرض کردم که تحصیل اجازه بکنند از دولت بعد از شش ماه یا یکسال آنیکسال راهم بنده پیشنهاد کرده بودم آنهم ارباب متاضرار بود که بهتر از شش ماهی دانسته و لکن آنرا هم عقیده ندارم که جاری شود زیرا که اسباب زحمت می شود برای اطباء خارج از مرکز نه از برای شهرها زیرا که اطباء شهرها می توانند تحصیل اجازه نمایند اما برای اطباء قراء و قصبات خیلی شاق است و از برای آنها ثبیکه میتلا هستند باین بلیه که علاج ندارند و مجبورند که همان اطباء قراء و قصبات معالجه آنها را بکنند و دیگر در خصوص امتحان این اطباء که در مرکز باید امتحان بدهند یک فرمایشی شاهزاده فرمودند ولی التفاتی نفرمودند در جوابش و جوابی ندادند تا بحال اکثر اطباء مملکت ایران موافق قانون طبی ایران چه تحصیل میکردند چه عمل میکردند آن معمول و متداول بوده است حالا ترتیب امتحان را در این قانون می نویسد که اطباء فرنگی باید حاضر بشوند و این اطباء ایرانی را امتحان بکنند بله دولت بعد از آنکه یک علم طبی را پسندیده از برای بعد از این خوبست که اطباء بآن ترتیب مشغول تحصیل شوند به ترتیب طب جدید و دیگر آنوقت طب ایرانی مسکوت عنه باشد و آنرا تحصیل نکنند و آنرا بنده عرض

نمیکنم و نمیگویم بد است خیلی خوب است لکن نه از برای حالا آن نتیجه اش از برای بعد از این است که چندین سال بگذرد و این اطباء که طریق تحصیلشان بطریق ایرانی بوده گز میان بروند و از سر نو یک تحصیل طب بطریق خارجه بکنند و بهمان ترتیب هم امتحان بدهند اما اگر اطباء این شهر مگر بعضی از اشخاصی که بخارجه رفته اند بترتیب علم طب طبابت آنها ایرانی بوده است و گل گاوزبان میداده اند حالا بخواهند بیاند امتحان بدهند درپیش این دکترهای خارجه نمیتوانند امتحان بدهند و حال آنکه ما آنها را بواسطه تجربیاتی که از آنها دیده ایم و معالجاتی که کرده اند اطمینان داریم و آنها را قابل میدانیم و لازم است که آنها مشغول طبابت باشند بجهت اینکه آن اندازه طبیب کافی که علم طب جدید را تحصیل کرده باشند که کفایت بکنند گمان نمیکنم که داشته باشیم علاوه بر این بفرض هم که داشته باشیم آنها چندسال مشغول طبابت بوده اند و معالجه هم میکردند و طبابت آنها هم صحیح نیست و آنها هم باید مشغول طبابت باشند این ترتیب امتحانی که قرار داده شده است گمان نمیکنم آنها بتوانند امتحان بدهند بعضی از جوهریات راهم که اسمشان را بدانند اصل علمش را ندارند و تا دارای علم نباشند نمیتوانند امتحان علمی بدهند و فقط باینکه خواص بعضی ادویه جات را دانسته نمی توانند این امتحانرا بدهند اینست غرض بنده در کلیات این قانون و اجرای این قانونرا در مملکت بنده مخالف هستم و نمی توانم در کلیاتش رأی بدهم برای همین معظوراتی که عرض کردم.

محمد شاه سوم روزا - بله بنده امروز هر چه میشنوم فقط همانند لایل سابقه است که طرفین مذاکره میکنند چیز تازه ندارند ولی این دلایلی که در منع و توقیف این قانون میفرمایند یکی از آنها اینست که میفرمایند چون آنها نمی توانند امتحان بدهند و اسم دوا را فقط یاد گرفته اند و خاصیت آنرا نمیدانند خوب ما هم غرضمان همین است که آنها را کفایت نمانند مردم را بعنوان طبابت نکشند مقصود ما هم همین است ما نباید هر کسی که طبابت میکرد باز آنها را طبیب نشانیم و یک قانونی باین وسعت بگذاریم و امادر مسئله اجرایش خیلی از قوانین را ما اینجا گذرانیده ایم و بعضی از آنها اجرا شده است و بعضی شروع با اجرا شده است از قبیل قانون محاسبات عمومی قانون دیوان محاسبات و قانون خلع اسلحه مشکل تریود و اجرا شد و مابقی هم اجرا خواهد شد و هیچ مانعی در این نمی بینم میفرمائید سوء استعمال خواهد شد در فلان شهر شاید حکومت نتواند امتحان کافی بکند یا بعضی مطالب بنویسد و اخبارات تحصیل بکند اگر ما در این احتمالات را باز کنیم بیهوده قوانین باز خواهد شد بجهت این که ممکن است که سوء استعمال شود و یک ترتیب و شکل قانونی داشته باشد در قوانین آسمانی هم ممکن است که یک چیزی را سوء استعمال کنند و باسم قانون پیش برند مثل شهادت دروغی ولی این احتمالات اینجا اشکال نمیشود برای اجرای یک قانون که ما بگوئیم نباید یک همچو قانونی وضع شود بواسطه این که ممکن است در یکی از نقاط ایران نتوانند بشربت صحیح اجرا کنند و بنده اینرا خیلی قانون سهل خوب

لازم الاجرائی میدانم و خیلی هم دایره اش را وسیع میدانم و عقیده بنده این بود که باید محدودتر از این باشد که نتوانند اینقدر اشخاص بی اطلاع بعنوان این که تجربه کرده اند طبیب باشند و این که آقایان فرمودند تجربه حاصل کرده اند و معالجه میکنند این تجربه نیست بنده یک دوائی یا یک مرتبه داده باشم یا مریض مرده باشد ، خوب شده باشد تجربه یک اساسی دارد یک عده معتناهی باید که علماً تجربه بر ایشان حاصل شود یا از اشخاص مختلفه یا از روی اساس علمی باشد بمجرد این که یک کسی دوائی بکسی دادخوشد یا مرد این تجربه علمی نخواهد بود و گمان ندارم که بتواند این اساس علم طب باشد یا این که یک نفر شخص نادان بتواند اساس عمل خودش قرار بدهد و مردم را بزرحت بیندازد و عقیده بنده این است که این قانون خیلی لازم است و رأی بگیرم .

رئیس - مذاکرات را آقایان کافی میدانند (اظهار داشتند کافی است) رأی میگیریم بکایه این قانون که دارای ۱۳ ماده است و تمام موادش با کثرت قبول شده است آقایانیکه چنین قانونرا تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند) با کثرت ۴۴ رأی تصویب شد طرح قانونی راجع بر تبه نظامی اول در کلیاتش مذاکره میشود بعد از تنفس در موادش مذاکره در کلیات است در کلیات مخالفی هست ؟

حاج شیخ الرئیس - بنده سئوالی داشتم .
رئیس - بفرمائید .

حاج شیخ الرئیس - بنده در تجدید رتبه های نظامی و کیفیت ترفیع آنها حاضرم که قبول بکنم ولی میخواهم بدانم که این لایحه است که از طرف وزارت جنگ بمجلس مقدس تقدیم شده است یا فقط ما از روی طرح یک نماینده محترمی باید مذاکره بکنیم .

رئیس - عرض کردم طرح قانونی است .
حاج شیخ الرئیس - پس بنده صلاح در این می بینم که اول وزارت جنگ نظرات خودش را بکند بعد مطرح مذاکره شود .

معاون وزارت جنگ - بنده برای همین مطلب شرفیاب شده ام وزارت جنگ تقاضا می کند که اول این لایحه را بوزارت جنگ بفرستند تا نظریات خودشان را در شورای ارکان حرب بکنند آنوقت بمجلس مقدس تقدیم دارند که مطرح مذاکره شود .

رئیس - حالا یک مسئله هست که شور اول است تقاضای فوریت هم نشده است میان شور اول و دوم هم پنجروز فاصله دارد ممکن است که ما شور اول اینرا بکنیم و داخل مذاکرات شویم و قبل از شور دوم بوزارت جنگ بفرستیم .

معاون وزارت جنگ - پس در موقع رأی گرفتن باید مدافعه کرد .
هشردودی - اگر چه صحیح است که این شور اول است و در شور دوم رأی گرفته خواهد شد ولی بعضی شاید بعضی چیزها که مباحثه میشود لغوش کنند آنوقت ما احتیاج داشته باشیم پس خوب است اول به وزارتخانه برود بعد بیاید .

رئیس - تفاوت نمیکند یک دفعه که برود بکمسیون بعد بیاید و لو اینکه در وزارت خانه چند ماده بآن اضافه بکنند دیگر مجبور نیستیم در آنموادیکه اضافه کرده اند در شور بکنیم و در شور دوم همانموادیکه الحاق و مذاکره میشود هم شور اول آن محسوب می شود هم شور دومش و اگر بنا بود که هر دفعه یک لایحه پیشنهاد شود بر گردد بکمسیون و موادی با الحاق بشود و در شور شود ممکن است پنجاه طول بکشد مخالفی کدر کلیات نیست رأی میگیریم در اینکه داخل در شور مواد شویم آقایانی که تصویب میکنند که داخل در شور مواد شویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با کثرت ۴۲ رأی تصویب شد .

(مذاکره بعد از تنفس)
(رئیس بعد از تنفس یکساعت و نیم قبل از غروب بجای خود جلوس نموده و پس از یک ربع مجلس رسماً تشکیل شد) .

رئیس - لازم نیست یک مطلبی را بنده اینجا توضیح بدهم تا خاطر آقایان مسبوق باشد آقای عز الملک که اینجا اجازه خواسته بودند راجع بعبث بود غیبتشان هم در جلسه گذشته با اجازه بود ولی بنده چنانچه چندین دفعه اینجا عرض کردم موافق ماده (۱۲۱) نظامنامه داخلی که اعتراضاتیکه راجع به غیبت است در مجلس نباید اظهار بشود باید بهیئت رئیسه اظهار بدارند و هیئت رئیسه بعد از آنکه عقیده کمسیون عرایض و مرخصی را تحصیل کرده مطابق آن در باره او حکم میکنند این بود که موافق ۵ بن ماده نظامنامه که آقایان نمایندگان رعایت آنرا بنده محول کرده اند اجازه ندادم ولی اینجا بازم عرض میکنم که غیبت ایشان با اجازه بوده است بی اجازه غائب نبوده اند کافندی رسیده است از وزارت مایه قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی .
چنانکه در مراسم جدا گانه عرض شده است این بنده آقای معاضد الملک نماینده محترم کرمانشاهان را بسمت معاونت پارلمانی وزارت مایه انتخاب نموده

و چون بواسطه کسالت فوق العاده از حضور در مجلس شورا بمی برای معرفی مشارالیه معذور است و معرفی ایشان برای شروع بکار فوریت دارد متمنی است از طرف بنده بوجوب این معروضه مشارالیه را بسمت معاونت پارلمانی وزارت مایه معرفی فرمایند امضای وزیر مایه (محمد ابراهیم الغفاری)

رئیس - در این موقع بنده نمی دانم باقی معاضد الملک تبریک بگویم و اظهار مسرت بکنم یا اینکه از طرف هیئت رئیسه اظهار تأسف بکنم برای اینکه آقای معاضد الملک یکی از کمک های بزرگی بودند برای هیئت رئیسه و فقدان ایشان یک تأسف بزرگی است برای هیئت رئیسه و میدانم که خودشان هم هیچ مایل باینکار نبودند و خیلی اصرار از طرف وزیر مایه میشده است و از اینجهت که خدمات ملی را در آنجا بیشتر می توانند بکنند این بود که قبول کردند و همیشه حاضر بوده اند که بهیئت رئیسه کمک بکنند و هیئت رئیسه هم از زبان بنده اظهار تأسف می کنند از رفتن ایشان و از اینکه کمک بزرگی بودند این بود که فقدان ایشان برای ما تأسف زیادی دارد .

معاضد الملک معاون وزارت مایه

از حسن ظن حضرت رئیس نهایت تشکر را دارم و بطوریکه فرمودند خود بنده هم نهایت تأسف را داشتم از تخلیه صندلی و کالت ولی نظر باصرار وزیر مایه و از آنجائیکه خدمت ملت و دولت هر دو را امروز یکی می دانستم و تصور میکردم که شاید بتوانم در وزارت مایه هم خدماتی که کمتر از مقام و کالت نباشد بکند و دولت کرد ، باشم از اینجهت این خدمت را قبول کردم و امیدوارم که با مسامحت نمایندگان محترم موفق بانجام این وظیفه مهم بشود و در خاتمه لازم است عرض بکنم که در چندنی قبل از طرف وزارت مایه لایحه الغای مالیات نمک یعنی توقیف قانون انحصار نمک بمجلس تقدیم شد و فوریت آنهم از مجلس گذشت رجوع شد بکمسیون قوانین مایه و راپورت آن از کمسیون قوانین مایه برگشته است و چون این مسئله خیلی اهمیت دارد لهذا وزارت مایه تقاضا میکند که همین امروز جزء دستور بشود و از مجلس بگذرد که تکلیف مأمورین در این باب معلوم شود . (از طرف اغلب نمایندگان اظهار موافقت شد)

رئیس - باید رأی بگیریم که جزء دستور امروز شود یا نه رأی میگیریم بی پیشنهاد معاون وزارت مایه که در چندنی قبل از طرف وزارت مایه راجع بانقا مالیات نمک پیشنهاد شده بود جزء دستور امروز بود آقایانی که با این تقاضا موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند با کثرت تصویب شد)

این لایحه فوریتش سابق از طرف مجلس تصویب شد و راپورت کمسیون هم امروز - پنج و توزیع شده است چون باستثنای موارد فوری باید راپورت کمسیون لا اقل ۲۴ ساعت قبل توزیع شود این بود که لازم میدانم عرض کنم که فوریت این تقاضا شده و تصویب هم شده است این عرض را هم باید بکنم که چون ماده واحده است یک رأی دارد دیگر مذاکره و رأی در کلیات ندارد .

(راپورت کمسیون قوانین مایه بعبارت ذیل خوانده شد) .
لایحه وزارت مایه راجع بتوقیف مالیات نمک در چند جلسه کمسیون قوانین مایه با حضور وزیر مایه مذاکره گردید نظر بلاحظاتی که در لایحه وزارت مایه تشریح شده و دقایق دیگر که کاملاً در کمسیون ملحوظ شده با کثرت آراء عین ماده واحده ذیل پیشنهاد وزارت مایه را تصویب مینماید ماده واحده مجلس شورای ملی توقیف قانون مورخ سوم ربیع الاول ۱۳۲۸ نمک را تصویب می نماید

محمد شاه سوم میرزا - عرض میکنم قانون نمک که از مجلس گذشت دارای مواد زیادی بود که عمده اش انحصار نمک بود و راجع بمعادنی هم که سابق در تصرف دولت بود آنرا هم شامل بود حالا سؤال می کنم که آن معادن نمکی که سابق سرگذشتن این قانون در تصرف دولت بود چه خواهد شد این سؤال را خوب است آقای مخبر جواب بفرمایند بنده بدانم چه عرض بکنم .

معاون وزارت مایه - فقط این لایحه که پیشنهاد شده است یک ماده راجع به قانون انحصار است یعنی شامل آن ماده است که از آن تبعه شامل بود و آن معاملاتی را که در سابق از طرف دولت

در باب نمک مجری بوده است آن معاملات بجای خود باقی است فقط این ماده توقیف میکند این قانونی را که جدیداً از طرف مجلس وضع شده .

حاج شیخعلی شهرآزی - بعضی عرایض است که بنده مجبورم بر حسب وظیفه که بر عهده دارم در این فضای اطاق عرض کنم که باقی بماند در اولی که این قانون وضع شده بنده مخالف بودم که امروز صلاح مملکت نیست که چنین قانونی وضع شود اما امروز راهم با این ماده طرحی که پیشنهاد شده است بنده مخالفم بسبب اینکه آن روزی که من قبول این وظیفه را کردم هیچ بخیال اینکه کسی از من خوشش بیاید یا بدش بیاید نبود آنچه عقیده من در حال مملکت باشد عرض خواهم کرد ولو اینکه همه مردم و همان موکلین من بگویند بد است این مملکت باید اصلاح شود و یا بد اثره تجدد بگذارد تجدد خرج دارد این خرج از کجا باید داده شود مالیات نمک نباشد مالیات نواقل هم نباشد دخانیات هم نباشد مالیات مستغلات هم نباشد که پیش نمی رود پس از کجا ما خرج کنیم تعرفه تلگراف هم که بمجلس می آید که امری است تجارتنی آقایان پیشنهاد میکنند کلمه صد دینار که یک قدری هم از ملت بیچاره بگیریم و بالای بودجه تلگراف بگذاریم بنده آن آقایانی که حذف مالیات نمک را تقاضا کرده اند چه از هیئت وزراء و چه از و کلائی که امروز رأی میدهند این اشکال مرا رفع بکنند و بفرمایند که ما از کجا این مملکت را اصلاح بکنیم تا بنده اینرا تصویب بکنم ما کسر بودجه آنوقت خواهیم داشت پنجگرو امسال را فرض کردیم بعد چه خواهیم کرد یک محل دیگر در مقابل پیدا بکنند آنوقت بگویند این موقوف باشد بعضی نظر برای دارند که این تحمیل برضعفا شده است بنده ثابت میکنم که بضعفا تحمیلی نشده است بجهت اینکه هر شخصی در سال یک من نمک بمصرف میرساند یک من نمک را همیشه چهارشاهی می خریدند حالا چهارده شاهی میدهد دهشاهی فرق کرده است آنوقت مالیات نمک تحمیل خواهد شد بآنها که خیلی مصرف میکنند اگر صنف دباغ است که یک من چهارعباسی است و اگر اشخاصی هستند که طبابخانه زیادی دارند که روزی یک من دومن نمک مصرف میکنند بدهند چه ضرر بجائی خواهد رسید اگر ملت میخواهد مملکت او مشروطه بشود و یا بد اثره تمدن بگذارد و امور آنها اصلاح شود باید بدانند که مالیات باید بدهند باین حرفها که بنده بیایم اینجا حرفی بزنم که چهار نفر خوششان بیاید که بگویم مالیات نمک نباشد بنده این عقیده را ندارم که هیچکس هم ندارد در سالی که یک نفر دوعباسی بدهد بجهت اصلاح مملکت این چه ضرر وارد خواهد آورد باو در حقوق ملی هم تمام ملت مشارکت دارند در وجهی هم که باید برای اصلاح مملکت بدهند شریک باشند ما اگر مالیات نواقل وضع کنیم همین وضع خواهد بود اگر مالیات مستغلات وضع بکنیم باز آنوقت کسبه فریاد خواهند کرد که ما رنجبریم مالکین از ما میگیرند هر مالیاتی که وضع میشود در اجرایش تا ترتیب نداشته باشد برضعفا تحمیل خواهد شد مگر اینکه ترتیب صحیحی در مالیات داده شود آقایانی که می خواهند توقیف کنند

رئیس - نماینده محترم در ضمن نطق خودشان یک لفظی استعمال کردند و اینطور گفتند که ما می خواهیم یا بد اثره تمدن بگذاریم گویا نماینده محترم مقصودشان از لفظ تمدن تجدد و ترقی مملکت بوده است والا مملکت قرنها است که با بد اثره تمدن گذاشته است .

حاج شیخعلی خراسانی - بله اشتباه کردم .

سلیمان میرزا - آقای حاج شیخعلی دلیلی که برای برقرار بودن مالیات نمک بیان کردند اولش این بود که ما برای اصلاحاتمان مخارج لازم داریم و وقتی که خرج لازم داشتیم برای اصلاحات لابد باید مردمانی که اصلاحات راجع بآنها است خرج را متحمل شوند و باندازه خودشان از این مخارج بعنوان مالیات قبول کنند این بسیار خوب حرفی است اما خوب است این تحمیل مالیات همانطوریکه مردم بالنسبه از آن منتفع میشوند بالنسبه هم مخارج آنرا متحمل شوند بعبارت اخری مالیات روی عایدات باشد هر کس بیشتر تمول و عایدی دارد بیشتر از این اصلاحات فایده میرد و از این امنیت استفاده میکند بنا بر این او بیشتر باید پول بدهد و چون در بین اقسام مالیات آنچه منصفانه و عادلانه تر از همه است آن مالیات است که بر روی عایدات گذارده شود و بالنسبه هر که بیشتر در این مملکت مستغلات و دارائی دارد بیشتر باید مخارج اصلاحات را بدهد زیرا دولت برای آنها بیشتر خرج میکند بنا بر این تمامی مالیاتهاییکه بطور غیر مستقیم وضع میشود و بر فقرا و ضعفا تحمیل خواهد شد آنها خوب نخواهند بود زیرا بر اشخاص تحمیل میشود که بآن اندازه برای آنها خرج نشده که در رفاهیت و امنیت باشند برای آنها کمتر خرج شده آنها کمتر اناثیه و مستغلات دارند و امنیت مملکت برای آنها بالنسبه آنقدر خرج نخواهد داشت بلی ما لازم داریم که اصلاحات در مملکت بکنیم و

بلی ما لازم داریم که اصلاحات در مملکت بکنیم و

اصلاحات مخارج لازم دارد و مخارج را هم محققاً باید اهالی این مملکت بدهند اما آنرا همانطور که عرض کردم خوبست بر چیزهایی منصفانه و عادلانه بگذاریم از قبیل مستغلات و در وقتی که از طرف شعبه پارلمانی بنده اینطرح را کرده بودم بجنس این دلیل را آنجا ذکر کرده بودم و تقاضا کرده بودم که بجای اینکه ضرری بدولت نرسد در بودجه مملکت از حذف این مالیات که تحمیل بر ضغفاست غرض اینحذف و کسر بودجه که در این راه حاصل میشود مالیات مستغلات را که اگر آقایان فراموش نکرده باشند در آن ماه های اول مجلس آمده است و طبع و توزیع هم شده است آنرا جزء دستور بکنیم و بگذاریم تا جبران این حذف بشود و سایر مالیاتهای دیگر هم میتوان وضع کرد و مجلس نه اقلیت منکر وضع مالیات نیست که آقای حاج شیخعلی فرمودند که نظر باینست که مالیات عادلانه باشد و لازم است که باز هم اینجا توضیح عرض کنم که آقای حاج شیخعلی دو سه عبارت فرمودند که شاید بنده بد ملتفت شده ام بنابر این باید رفع سوء تفاهم از خودم بکنم و آن این است که فرمودند چیزی اظهار نخواهند فرمود که نظرشان این باشد که کسی خوشش بیاید ولو اینکه تمام موکلین ایشان برخلاف عقیده ایشان باشند عقاید خودشان را خواهند فرمود معلوم است اول شرط یک نفر نماینده این است که در عقیده خودش آزاد باشد و هر چه وجداناً بنظرش میآید برای اصلاح امور اظهار بدارد و گمان نمیکنم که هیچکس در مطالبی که اظهار میشود و اظهار بیکه در مجلس میکند برای این باشد که کسی خوشش بیاید مسلماً هر اظهاری که میشود جماعتی را نرنجید میشوند و جماعتی خوشوقت میشوند آن اظهار بر مصالح هر جماعتی که باشد آنها خرسند خواهند بود و جلوگیری از تعدیات هر کس که بشود با طبع رنجش پیدا خواهد کرد مالیاتهایی که ما وضع میکنیم یا قانونی را که ما میگردانیم از مجلس در نظر یکی از دو جماعت خوش نخواهد آمد یکی کارگری یکی کارفرما پس اگر یک مالیاتی در این جا وضع کنیم و رعایت حال کارگر را بکنیم که وسعت و رفاهیت آنها را در نظر داشته باشیم محققاً یک تضییقی بکارفرما خواهد بود و یک تضییقی بر آنها است بنا بر این ممکن نیست که هر دو جماعت خوشوقت شوند بدیهی است کارفرما خواهد رنجید اگر رعایت کارفرما نشود مثلاً یک مالیاتی وضع کنیم که بنظر کارفرما و بصرفه آنها باشد مسلماً کارگران دلالتنک خواهند بود چون تضییقی برای آنها خواهد بود لکن جزء قانون اساسی ما هستند و این پیشنهادی که از طرف شعبه پارلمانی فرقه دموکرات شده بود و یکمسیون رفت و تقاضا شده بود که بجنس بیاید اتفاقاً هنوز راپورت آن از کمیسیون مبتکرات برنگشته است که به بنییم قابل توجه شده است یا خیر تا اینکه بعد از مدت ها همان پیشنهاد عیناً از طرف وزارت مالیه پیشنهاد شد و چون ماهیسه مقصود اصلی رادر نظر داریم که رفاهیت عامه باشد حالا خوشوقتیم که آن مقصود ما بجنس آمده است از طرف هر کس میخواهد پیشنهاد بشود بشود اما در موضوع این مالیات که میفرمائید آقای حاج شیخ علی که نصف آن بر قرار باشد

اصلاً چنانچه در مقدمه این پیشنهاد ذکر شده بود امروز به تجربه ما دیدیم که برای ما فایده چندانی ندارد اگر نصف هم بکنند مطابق نظریه آقای حاج شیخ علی خود اشخاصی که مباشر این عمل بوده اند گفتند که در صورتی که نصف شود این مالیات ما هیچ صرفی نخواهد کرد برای دولت یا اگر صرف بکند بقدری جزئی است قابل این است که دولت یک چنین اداره تشکیل نکند برای آن نیست پس بهتر این است که بکلی حذف بکنند چنانچه گویا کمیسیون قوانین مالیه هم همین نظر را داشتند و حذف کردند نتیجه که ما از این مالیات دیدیم این بود که بواسطه رقابت نمک خارجی که در سرحدات پیدا شده چون در سرحدات این متاع را وارد میکردند و این قوانین باو تعلق نمی گرفت و رقابت تجارتی نمک را در سرحدات ارزانتر کرد از نمکی که دولت میخواست و فروشد مثل نقاط سرحدی آذربایجان و گیلان و خراسان در این نقاط سرحدی نمکی که دولت میفروخت خیلی کمتر بود از نمکی که از خارج وارد میشد و فروخته میشد احضایه گمرک خوب این مطلب را مبرهن میدارد که امسال ورود نمک چقدر بیشتر از سال گذشته شده است علاوه اشکالات دیگر این قانون داشت بعلاوه تحمیل برضغفا بقول یک نفر سیاح در مملکت ماقدر و قیمت نمک همانقدر است که یک نفر خرم شود و نمک را از روی زمین بردارد چون غالب نقاط این مملکت رودخانه و دریاچه نمک و کویر نمک دارد در مملکتی که این قدر نمک موجود است تقشش و جلوگیری از قاچاق او بی اندازه مشکل بود مجال نبود اما اگر میخواستند صحیحاً جلوگیری از قاچاق بکنند و کاملاً تقشش نمایند باید یک چنین مالیاتی هم از مردم میگرفتند و صرف آن میکردند تا یک رودخانه که چندین فرسنگ نمک دارد و جریان دارد بتوانند جلوگیری از قاچاق او بنمایند و این یک کار خیلی مشکلی بود مثلاً دریاچه ارومی را بچه قسم میتوان محافظت کرد که قاچاق نمک از آن نمایند و هرگز کسی از اطراف او نمک نبرد پس می بینیم که از برای اداره کردن این مالیات ما وسائلی که کاملاً بتوانیم از آن استفاده کنیم نداریم و بعضی شهرها که معادن نمک در آنجا نبوده است مثل اینکه وزیر مالیه مثل زدن کرمانشاهان که نمک ندارد در آنجا میتوانند نمک را خوب اداره کنند که دریاچه نمک ندارد و الا در سایر جاها مثل آذربایجان دریاچه ارومی و فارس دریاچه مهارلو و سایر رودخانه ها و دریاچه ها و در آنجا ها نمیتواند دولت آن معادن را بخوبی اداره کند و قاچاقچی ها بهتر از دولت صرفه میبرند پس باین ملاحظاتی می بینیم که یک مالیاتی را که وضع میکنیم مقصودمان صرفه و صلاح مملکت است چنانچه آقای حاج شیخعلی گفتند باید این مالیات صرف اصلاحات مملکت بشود و صرف تأسیسات جدید بکنیم ولی دیدیم باین ترتیب که یک مالیاتی ما وضع میکنیم و بر جماعتی بلکه بر عموم اهالی مملکت آن تحمیل میشود لکن قاچاقچیان یا خارجی های بیشتر از آن استفاده میکنند و این مالیات صرفه و فایده اش بحال قاچاقچیان داخله است که

از هر طرف میخواهند ببرند و بحال تجار خارجه این را حمل سرحدات میکنند و دولت پس از اوض مخارج این اداره کمتر استفاده کند و از طرف دیگر که ملاحظه میکنیم وضع اینقانون برخلاف رعایت تسهیل امور راجع بحفظالصحه است بواسطه اینکه نمک برای اعصاب انسانی و حیوانی لازم است و وقتیکه نمک را گران و تضییق کردیم اشخاص نمی توانند باسانی بنمک برسند و بعسرت به آن میرسند شاید اسباب کسالت و مرض از برای آنها بشود پس باین ملاحظات بنده و تمام شعبه پارلمانی فرقه که این پیشنهاد را کرده اند تقاضا میکنند که این مالیات را زودتر حذف کنند و اگر ممکن باشد طرح راجع مالیات مستغلات زودتر جزء دستور شود

حاج شیخ الرئیس - دلائلی که موافقین این ماده فرمودند و خواهند فرمود بنده را الزام نمی کند که عقیده خود را با کمال آزادی عرض کنم و آن این است که اساساً وضع مالیات بخصوص نمک از مالیاتهای مخصوصه ممالک متدنه بلکه متدینه است همه میدانند یکی از مالیاتهای کدره یک مملکتی وقتی وضع شد است مایه تفر و اناز جارعمومی نشده است ولی بدبختانه گمان میکنم که کسانی که برضد این مالیات تقریرات میفرمایند و شاید هم تا اندازه محق باشند و نظرشان سوء استعمال این قانون مقدس است که از مجلس گذشته است مجبورم عرض کنم (چاره چه باشد چه بکنند نمک) والا اگر در کیفیت اجرای این قانون اینطوری سوء استعمال نبشند بنده عرض میکردم که این محبوب بالذات همینطور مینوشد بالفرض نمیشد حالا هم تارای نمایندگان و اکثریت چه باشد وجه اقتضا کند ولی فعلاً بنده باین تقریرات که بعضی از نمایندگان میفرمایند و بطوریکه مادلول این ماده است که بکلی حذف کنند بنده خیلی مخالف حذف صحیح نیست توقیف بکنند بلکه لازم میدانم اگر رأی دادند آقایان یک عبارتی هم بنده پیشنهاد میکنم که اضافه شود که این مالیات علی العجالة توقیف است تا دولت نظریات خودش را کاملاً در این خصوص بکند که مانسوخ من آیه اوونها فات بخیر منها و مثلها حاج عزالمالک مخبر کمیسیون قوانین مالیه - نظریاتی که آقایان مخالف میفرمایند در کمیسیون هم گفته شد و همچوهم نبوده که بعضی اینکه از طرف دولت حذف یک مالیاتی که مجلس شورای ملی وضع کرده است پیشنهاد شد فوری کمیسیون هم رأی بدهد بدون دلیل البته دلائلی بوده است که کمیسیون هم متقاعد شد و رأی داد در این لایحه چندین جلسه در کمیسیون قوانین مالیه باحضور وزراء و کسانی که مربوط باین عمل بودند مذاکره شد و خیلی ملاحظه کردند در این که شاید بشود بایک تخفیفی این مالیات انحصار نمک را اداره کند که هم یک تخفیفی نسبت بحال اهالی و مردم پیدا شود و هم این قانون نسخ شده باشد بدلائلی که بعضی آقایان نمایندگان خواهم رسانید کمیسیون را متقاعد نمودند که همراه بشود بایشان و وزیر دلائلی که در کمیسیون اظهار شد اولاً متناسب بودن این مالیات بود البته وضع مالیات که میشود باید در حقیقت متناسب حال اهالی مملکت باشد و این مالیات نمک ابدأ متناسب نداشت در اغلب نقاط این مملکت شاید نمک تا خرواری بیست تومان هم رسید مثل همدان و کردستان که برای همین از دیار

قیمت اسباب تلفات احشام ایلات شد و خود اهالی و فقرا هم در زخعات زیاد بودند در صورتیکه در سرحدات فروش نمک خارجه بخرواری دو تومان یا کمتر بود ملاحظه میفرمائید یک مالیاتی که در مملکت وضع بشود که بعضی نمک را خرواری بیست تومان و بعضی خرواری ۱۰ تومان بخرند چقدر بی تناسب است و این متناسب نبودن این مالیات اسباب این بود که کمیسیون متقاعد بشود در اینکه این مالیات توقیف شود دلیل دیگر ضرر تجارتی بود که از این راه حاصل شد و آن این بود که موافق تعرفه گمرکی خرواری یک قران بنمک بیشتر گمرک تعلق نمیگرفت و این اسباب این میشد که مالیات نمک در نقاطی که نمک خارجه وارد میشد موضوعی نداشت چطور تصور می شود که یک شیئی با یک چنین گمرک قلبی وارد شود و آن طور ارزان فروش برود و در خود مملکت یک چنین مالیات سنگین گزافی داشته باشد دیگر اینکه وضع این مالیات طور است که راجع است بچیزیکه محتاج الیه کلیه مردم است و حتی الامکان باید سعی کرد که وضع مالیات باشیانی باشد که کمتر اسباب احتیاج عمومی باشد مثل دخانیات و غیره و این خودش یک دلیل کافی است که اگر درست تفکر بکنیم گمان ندارم تصویب بکنیم بقاء این مالیات را دیگر اینکه در خصوص تخفیف این مالیات خیلی مذاکره شد در اینکه دو تومان یا یک تومان تخفیف بدهیم و آیا آن اداره بحال خودش باقی خواهد ماند یا خیر جوع شد بخارجی که در اداره نمک تا حال شده است تقریباً در عایدی صدی هشتاد مخارج نمک شده است تصور نکنید مالیاتی که در صد هشتاد مخارج اداری داشته باشد و صدی بیست عاید دولت بشود در صورت تخفیف تصور می شود که خرج و دخل آن مساوی خواهد شد این نظرات کمیسیون را متقاعد کرد در اینکه توقیف این مالیات را تصویب بکنند راجع بمعادن که صحبت شد دولت یک معادنی دارد و البته دولت در فروش آنها مختار خواهد بود و هیچ مربوط باین مالیات نخواهد بود و نظریات اغلب نمایندگان هم گویا موافق باشد که این مالیات توقیف بماند دلائل دیگری غیر از آنچه عرض شد بنده برای توقیف این مالیات لازم بعرض نمی دانم

رئیس - اسامی اشخاصی که اجازه خواسته اند زیاد است اسامی را می خوانم در موقع خواندن اسامی هر کس مخالف است اظهار بدارد . (اسامی بعضی از آقایان خوانده شد - حاج شیخعلی خراسانی اظهار مخالفت کرد و بایشان اجازه داده شد).

حاج شیخعلی خراسانی - مجدداً عرض می کنم فرمایشی که آقای حاج عزالمالک فرمودند همچو نبود بنده در کمیسیون مبتکرات که این طرح از نمایندگان پیشنهاد شده بود و در کمیسیون قوانین مالیه هم بودم صورت عایدات و مخارج اداره نمک را دیدم و شصت و هفت هزار تومان علاوه بر مخارج دخل کرده بود در سه ماه مخارج برای چقدر از زمان بوده است برای یکسال یکصد و شصت هزار تومان خرج شده بود تخمیناً و این مبلغ هم که دخل آورده بود در واقع عایدی آن اینطور بوده است که در بعضی نقاط شعب این اداره از دوماه و شش ماه و

چهارماه ایجاد شده بود و در ماه اول و دوم و چهارم هیچ دخلی نکرده است و از ماه سیم رچهارم بعد دخل کرده است و امسال سال ابتدائی وضع این مالیات بود بواسطه احتکار نمک در خانه ها و دکانهادولت در اول نتوانست درست اداره کند چشش این بود و الا بطوریکه بار دیده شده است در این مالیات اگر به همین قیمت حالیه باشد عایدی آن بچهار کورومی رسد و اگر نصف بشود بدو کورومی میرسد و خرج آن از صد و پنجاه هزار تومان در سال تجاوز نمیکنند این یک عایدی است برای دولت و صرف میشود برای خود ملت و مالیاتی از این متناسب تر از برای ملت نیست این است که یکمن کار میکند یک عباسی یا دو عباسی بدلت میدهد اینست که یک خروار مصرف میکند صد عباسی یا دو بیست عباسی بدولت می دهد و بیشتر آن مالیات تحمیل میشود براغنیاء و آقایان هیچ اشتباه نکنند که تحمیل برضغفا است تحمیل بر ضغفا نخواهد شد آتھائی که گاو یا چرخهای دیگر دارند می خواهند این نمک را کار بکنند محصولات آنرا بیشتر خواهند فروخت مالیات مستغلات هم که فردا وضع می شود آنهم فردا برنجبران تحمیل می شود اگر می خواهند برنجبران تحمیل میشود ادارات را منظم بکنند همین مالیات راهم که می خواهند بگیرند گرچه مستقیم است و از املاک گرفته میشود و از اغنیاء گرفته میشود چون ترتیب ندارد و امیدواریم که انشاءالله ترتیب بیاید عرض کردم این مالیات را که ما توقیف میکنیم نمک ارزان نخواهد شد و عباسی بر ملت تحمیل نیست بر آن ضعیف ترین مردم تحمیل نیست یک عباسی و دو عباسی هم در سال موجب ضرر کسی نمیشود راجع بحفظالصحه هم که فرمودند نمی شود در سال یک نفر از یک من بیشتر مصرف بکند در ما کولات و مالیاتی که در من دو عباسی باشد هیچ ضرری بحفظالصحه وارد نمی آورد و این ها مطلبی نیست که ضرر ریزند و بنده پیشنهاد کردم که ۴ تومان قیمتش بشود در خروار مثل اینکه در اول هم عقیده بنده همین طور بود و اینهم که راجع بسرحدات فرمودند آن هم ملاحظه شد هیچ اداره در سرحدات تأسیس نشده است بحال طبیعی اولیه اش باقی است اگر این نمک از خارج داخل میشد قدیم هم که این قانون انحصار نمک نبود در سرحدات داخل میشد است اگر داخل نمیشد حالا هم داخل نمیشود نسبت بحال سرحدات فرق نکرده است فقط در یک نقطه استاتستیک از برای اینکه آقای ارباب اعتراض نکنند احصایه در آنکه ملاحظه میفرمائید یک جزئی امسال وارد شده است و الا در کجای گیلان اداره نمک هست بنده باز عرض میکنم که ملت بدانند که اگر یک عباسی و دو عباسی مالیات نمک را بدهند باید باز قرض بکنیم و عوض این دو عباسی ده تومان و بیست تومان صد تومان بدهند بنده این را عرض کردم .

رئیس - دیگر مخالفی نیست مخالفی نمی بینم مذاکرات هم گویا کافی باشد سه فقره اصلاح پیشنهاد شده است اول باید در اصلاحات رأی بگیریم آقای حاج شیخعلی خراسانی پیشنهاد کرده اند که عوض شش تومان و چهار هزار چهار تومان گرفته شود - آقای ادیبالتجار پیشنهاد کرده اند که کله

عجالتاً افزوده شود - آقای مشیر حضور پیشنهاد کرده است که در ماده اول لایحه توقیف مالیات نمک بعد از تاریخ نوشته شود برای مدت غیر معین اول باید رأی بگیریم در اصلاح آقای خراسانی که چهار تومان .

حاج عزالمالک - بنده توضیح راجع به تخفیف دارم و تعجب میکنم که آقای حاج شیخعلی متقاعد نشدند اینکه خیال بکنیم که شش کوروی یا چهار کوروی عایدی دارد از روی نوشتن یک عددی در روی کاغذ نمی توان ثابت نمود که این عایدی واقعاً به دولت خواهد رسید یا نه بنده عرض کردم که با اشخاصی که مخصوص و معروف باین کار بودند مذاکره شد بلکه کمیسیون نظر مستخدمین امریکائی را هم در این کار خواست آنها هم بی نظر در این خصوص نبودند و نخواستیم بی نظر آنها یک مالیاتی را بر داشته باشیم آنها هم نظری داشتند و در اینکه بیست و چهار هزار تخفیف داده شود کمیسیون خیلی مذاکره کرد که آیا بعد از آن تخفیف این اداره باقی می ماند یا نمی ماند دیدیم باقی نمی ماند بعلاوه یک چیزی که راجع بارزاق عمومی است و محل احتیاج عمومی است تصور میفرمائید چطور میشود آنرا آنقدر گران و سخت کرد و یک قسمتی هم این جا راجع مالیات مستقیم و غیر مستقیم اظهار شد آن عجالتاً از این موضوع خارج است هر وقت در این خصوص چیزی پیشنهاد شد مذاکره میشود .

مهرزاملک - اجازه میفرمائید بنده جزء کمیسیون هستم .

رئیس - اشما جزء کمیسیون نیستید .

مهرزاملک - هستم امروز انتخاب شدم

رئیس - انتخاب شما هنوز اعلان نشده است

دکتر حاج رضاخان - یک نظری که کمیسیون داشته است برای برداشتن این قانون که لازم است آقای حاج شیخعلی متذکر شوند که این پیشنهاد قابل توجه نخواهد شد برای اینست که مسئله انحصار در آن بوده است و انحصار فرق نمی کند که دوهزار باشد یا دو تومان و البته می دانند که کله در ارزاق یا انحصار خیلی باید مذاکره شود که در مجلس بگذرد و کمیسیون یک نظر عمده که داشته است همان مسئله انحصار بوده است و حالا که پیشنهاد کردند چهار تومان باشد گمان میکنم اگر پیشنهاد کنند دو قران باشد بهمین نقطه نظر قابل توجه نشود مخالف قانون اساسی هم نیست

رئیس - حالا رأی میگیریم در پیشنهاد آقای حاج شیخعلی که پیشنهاد کرده اند .

عوض شش تومان چهار هزار و چهار تومان گرفته بشود آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند - (قابل توجه نشد) - حالا رأی می گیریم در اصلاح آقای ادیبالتجار که پیشنهاد کرده اند فقط عجالتاً نوشته شود

معاون وزارت مالیه - لفظ عجالتاً در اینجا هیچ مناسبتی ندارد در مجلس هم وقت میتواند یک طرح قانونی پیشنهاد کند و وزراء می توانند هر وقت صلاح میدانند قانونی را پیشنهاد کنند دیگر لفظ عجاله در اینجا معنی ندارد .

ادیبالتجار - مختصراً عرض می کنم این حرکات و اقدامات که ظاهر شد و کسب دقت

نمایندگان را نسبت بر مردم کرد دیگر توقیف این مسئله نمک از باب سوء رفتار با مأمورین است حالا عجاله بنده می خواهم با آنکه این توقیف بشود لیکن این اول قانونی است که با حرارت نمایندگان از مجلس گذشت که برای امنیت مملکت با عقیده صافیه بجهت اعانت مملکت و تنظیم مملکت و با اصلاح مملکت بود این قانون را وضع کردند و این قانون را که توقیف می کنند بنده لازم میدانم که علی العجله یا عجاله یا موقتاً توقیف شود .

رئیس - آقای ارباب در این اصلاح حرف

دارد ؟

ارباب کیخسرو - بله .
رئیس - جزء کمیسیون هستید .

ارباب کیخسرو - بله بنده هیچ معنی این لفظ را نمی فهمم مسئله مالیات نیست که بگوئیم عجاله توقیف باشد این یک انحصار است انحصار را بعد اگر دولت خواست یک مالیاتی را یا پیشنهاد می کند هیچکس دست دولت را نه بسته است و بنده نمی دانم در چیزی که راجع بتخفیف است نسبت بمال رعایای بیچاره و تاحال هیچ تخفیفی بآنها نداده است چرا حالا باید تردید نکنیم و این همه اشکال تراشی نکنیم جای هیچ اشکال نیست و بعقیده بنده رأی بگیریم .

رئیس - رأی می گیریم در اصلاح ادبالتجار کلفظ عجاله زیاد شود . آقایانی که این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (قابل توجه نشد) رأی می گیریم در اصلاح آقای مشیر حضور که پیشنهاد کرده اند که برای مدت غیر معینه نوشته شود .

حاج عز الممالک - این هم مثل لفظ عجاله است بنده هیچ معنی مدت غیر معینه را نمی فهمم و این یک مسئله حتی است هروقت وزراء یا مجلس بخواهند وضع قانونی بکنند خواهند کرد دیگر این که اینجا قید بکنیم برای مدت غیر معینه معنی ندارد در اینجا مجلس رأی میدهد که انحصار توقیف باشد .

مشیر حضور - اگر طوری است اینکه مشیر می فرماید باید بنویسند ابقای انحصار نمک نه این که بنویسند توقیف نمک وقتی که توقیف میکنند توقیف مدت می خواهد بنویسند برای مدت غیر معینه و چنانچه حضرت والا شاهد زاده سلیمان میرزا فرمودند وقتی که مالیات مستفلات از مجلس گذشت این نسخ می شود والا تا آن نگذشته است باید این نسخ نشود و توقیف باشد .

رئیس - رأی می گیریم با اصلاح آقای مشیر حضور که توقیف در مدت غیر معینه باشد آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند - قیام نمایند - (قابل توجه نشد) - اصلاحی است آقای کردستانی پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم اینطور نوشته میشود مجلس شورای ملی قانون مورخه ۳ ربیع الاول ۱۳۲۸ راجع بانحصار نمک رانسخ مینماید .

معاون وزارت مالیه - از طرف هیئت وزراء مخالفتی با این پیشنهاد نخواهد بود .

اسدالله خان کردستانی - چون وزراء پیشنهاد کرده بودند که توقیف شود و قانونی که

توقیف شد مثل این است که اگر دفعه دیگر بخواهند بمجلس بیاید باید بهمان ترتیبی که سابق بوده است پیشنهاد شود در صورتی که ممکن است اگر ۲۰ سال بعد محتاج بوضع یک چنین قانونی شدند ترتیبات دیگری پیشنهاد کنند پس اگر در واقع میخواهند این قانون رانسخ کنند نباید توقیف بنویسند باید نسخ بنویسند .

رئیس - آقای مخیر چه میفرمائید کمیسیون قبول می کند این اصلاح را یا خیر ؟

حاج عز الممالک - کمیسیون می تواند این را قبول کند .

رئیس - می تواند صریح نیست قبول می کند یا خیر ؟

حاج عز الممالک - بنده قبول می کنم .
رئیس - پس حالا دیگر مخالفی نیست .

دکتر اسمعیل خان - بنده مخالفم .
رئیس - جزء کمیسیون هستید .

دکتر اسمعیل خان - خیر .
رئیس - رأی می گیریم - آقایانی که این

پیشنهاد آقای کردستانی را قابل توجه میدانند قیام نمایند (قابل توجه شد) - حالا بطور مخفی باورقه رأی قطعی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند انداخت آقایانی که رد می کنند ورقه کبود خواهند انداخت .

(در این موقع اخذ اوراق رأی شده و آقای حاج میرزا رضا خان بعه ذیل اوراق را احصاء نمود) .

ورقه سفید ۶۱ - ورقه آبی ۲ - اسامی رأی دهندگان .

آقا میرزا احمد قزوینی . آقا شیخ حسین یزدی . متین السلطنه . دکتر حاج رضا خان . محمد هاشم میرزا . هشت رودی . زنجانی . منتصر السلطان . دهخوار قانی . آقا شیخ محمد خیابانی . معتمد - التجار . آقا شیخ علی شیرازی . مدرس قمه . حاج امام جمعه . ذکاء الملک . دکتر امیر خان - دکتر لقمان - آقا سیدجلیل - معزز الملک - میرزایانی - سلیمان میرزا - صدر العلماء - علی زاده - حاج سید نصرالله حاج شیخ علی - رکن الممالک - کرازی - میرزا رضاستوفی - ارباب کیخسرو - سعیدالاطباء - حاج شیخ اسدالله - آقا سید حسین اردبیلی - معاضد السلطنه - حاج آقا - اسدالله خان کردستانی - معذل الدوله طباطبائی - افتخار الواعظین آقا سید محمد زاهدانی - آقا میرزا داودخان - مساوات - ابو القاسم میرزا - دکتر علی خان اعتصام الملک آقا سید محمد باقر ادیب - آقا میرزا قاسمخان

تربیت حاج عز الممالک مشیر حضور - فرزانه نجم آبادی عز الملک ضباء الممالک - لواء الدوله - آقا شیخ غلامحسین - دکتر اسمعیل خان - حاج میرزا رضا خان - آقا میرزا ابراهیم خان .

رد کنندگان - ادیب التجار - انتظام الحکماء .
رئیس - با اکثریت ۶۱ رأی از ۷۳ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد شروع میشود بشور اول در مواد قانون ترفیع رتبه نظامی ماده اول خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۱ - رتبه های نظامی قشون برای ایران

برای صاحب منصبان شمشیر بند منحصر به ۹ درجه و مطابق ترتیب ذیل است (۱) نایب دوم (۲) نایب اول (۳) سلطان (۴) باور (۵) نایب اسرهنک (۶) سرهنک (۷) سرتیب (۸) میرینج (۹) امیر تومان .

رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) مخالفی نیست ماده ۲ قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۲ - رتبه های نظامی قشون بری ایران برای تامین مطابق تفصیل ذیل است .

۱ - سرباز درجه اول (۲) ده باشی (۳) وکیل (۴) وکیل باشی .
رئیس - در این ماده مخالفی هست ؟

حاج شیخ الرئیس - یک توضیحی میخواستم از مخیر بخواهم .
رئیس - بفرمائید .

حاج شیخ الرئیس - چون در این قانون تصریح شده است که رتبه های نظامی قشون بری ایران بنده فقط میخواستم بدانم که در باب قشون بجزی که البته بعد از این خواهیم داشت آیا همین قانون مجری است یا یک ترتیب دیگری خواهد داشت این را میخواستم توضیح بکنند .

لواء الدوله - مخیر کمیسیون نظام -
عرض کنم که این لایحه یک طرح قانونی است که از طرف آقای معزز الملک و آقای معتمد التجار در چند ماقبل پیشنهاد کردند و بکمیسیون نظام رجوع شد و راجع است بششون بری ایران در باب قشون بجزی آنیک ترتیب دیگری دارد که هروقت که موقمش شد از طرف هر وزیری که پیشنهاد بشود ترتیب آن تعیین میشود .

رئیس - دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده ۴ خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .
ماده ۳ - مطابق اصل ۴۷ قانون اساسی اعطاء رتبه های صاحب منصب شمشیر بند با تصویب وزیر مسئول از حقوق مختصه سلطنتی بوده کس دیگر در مملکت دارای این حق نیست .
رئیس - مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) مخالفی نیست ماده ۴ خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)
ماده ۴ - اعطاء رتبه ای که برای تا بنین معین شده است از حقوق فرمانده فوج و مافوق او بوده فرمانده (گروهان) (اسکادرون) (نابری) بتوسط روسا مستقیم خود در صورت نداشتن روساء مستقیم شخصاً کسانی را که لایق ترفیع رتبه میدانند در حدود مقرر قانون بآنان معرفی میکنند .

این بود که دولت هروقت مقتضی میدید یک رتبه را تاسیس می کرد و آن را یکی از مراتب نظامی قرار میداد مثل اینکه در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه میرینجی بود امیر تومانی بود امیر یونانی بود سرداری هم بود که فوق اینها بود بعد کم کم که اینها تجلیل رفت و در این اواخر رتبه سرتیب اولی را میرینجی می گفتند ولی در فرمان نمی نوشتند و چون این قانون نبود که مدون شده باشد و قانونیت نداشت این بود که این طرح از طرف بعضی از نمایندگان پیشنهاد شد که از مجلس بگذرد که یک قانون مدونی بشود و بمباند در باب درجات هم ملاحظه می فرمایند که ۹ درجه قرار داد شده است اگر چه سابق بر این بیشتر از اینها بود یعنی ۱۴ درجه بود و آن درجات هم بطوری که نوشته شده است **رئیس** - این از موضوع خارج است)
لواء الدوله - چون درجات را خواستند از اینجهت میخواهم عرض بکنم .
رئیس - درجات را نخواستند الفاظ خارج از قبیل اسکادرون را گفتند که بفارسی نوشته شود دست بود و بجز دسته هیچ چیز دیگری نبود که استعمال بشود و حالا این قانون از قوانین خارجیه اقتباس شده معمول شده است باید بهمان لغات نوشته شود و اینکه میفرمایند بفارسی گفته شود (باتری) یکدسته صد نفر از توپخانه است (اسکادرون) یکدسته صد نفر است در سواره (گروهان) یکدسته صد نفر سواره باهشتاد نفر پیاده است اینها یک لغاتی است که در خارج وضع شده است و ما تا با امروز نتوانسته ایم از برای آن یک لغتی وضع بکنیم .

ارباب کیخسرو - بنده خیلی تعجب میکنم که آقای مخیر خارج از سؤال بنده جواب فرمودند و در عده هم که فرمودند گویا اشتباه کردند بعلاوه میگویند باید لفظ خارج در اینجا باشد بنده میدانم که این کلمه (باید) را بچه ملاحظه گفتند برای اینکه اینجا ایران است و زبان ما ایرانی است و تا آنجائی که ممکن است باید سعی بکنند که قوانین زبان خودمان نوشته بشود نهایت اگر خودشان نمیدانند ممکن است از کسانی که نظامی هستند و اطلاع دارند کسب اطلاع بکنند .

رئیس - حالا در شور دوم ممکن است این اصلاحات بشود دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده پنجم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۵) دوموقبیکه رتبه صاحب منصبی ویا ترفیع رتبه بکسی داده میشود باید فرمان مضم و مهور همایونی بامهر و امضاء وزیر جنگ صادر بشود و این فرمان در تمام مدت خدمت صاحب منصب در محل استخدام اوثبت وضبط میشود .

رئیس - مخالفی هست ؟
حاج شیخ الرئیس - بنده فقط یک مناقشه لفظی دارم میخواستم عرض کنم که (مضم و مهور) عبارت ناموزونی است همان (بامضاء) کفایت میکند مضم و مهور غلط است .

حاج شیخ اسدالله - در اینجا مینویسد که (در محل استخدام اوثبت وضبط میشود) این عبارت

این بود که دولت هروقت مقتضی میدید یک رتبه را تاسیس می کرد و آن را یکی از مراتب نظامی قرار میداد مثل اینکه در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه میرینجی بود امیر تومانی بود امیر یونانی بود سرداری هم بود که فوق اینها بود بعد کم کم که اینها تجلیل رفت و در این اواخر رتبه سرتیب اولی را میرینجی می گفتند ولی در فرمان نمی نوشتند و چون این قانون نبود که مدون شده باشد و قانونیت نداشت این بود که این طرح از طرف بعضی از نمایندگان پیشنهاد شد که از مجلس بگذرد که یک قانون مدونی بشود و بمباند در باب درجات هم ملاحظه می فرمایند که ۹ درجه قرار داد شده است اگر چه سابق بر این بیشتر از اینها بود یعنی ۱۴ درجه بود و آن درجات هم بطوری که نوشته شده است **رئیس** - این از موضوع خارج است)
لواء الدوله - چون درجات را خواستند از اینجهت میخواهم عرض بکنم .
رئیس - درجات را نخواستند الفاظ خارج از قبیل اسکادرون را گفتند که بفارسی نوشته شود دست بود و بجز دسته هیچ چیز دیگری نبود که استعمال بشود و حالا این قانون از قوانین خارجیه اقتباس شده معمول شده است باید بهمان لغات نوشته شود و اینکه میفرمایند بفارسی گفته شود (باتری) یکدسته صد نفر از توپخانه است (اسکادرون) یکدسته صد نفر است در سواره (گروهان) یکدسته صد نفر سواره باهشتاد نفر پیاده است اینها یک لغاتی است که در خارج وضع شده است و ما تا با امروز نتوانسته ایم از برای آن یک لغتی وضع بکنیم .

ارباب کیخسرو - بنده خیلی تعجب میکنم که آقای مخیر خارج از سؤال بنده جواب فرمودند و در عده هم که فرمودند گویا اشتباه کردند بعلاوه میگویند باید لفظ خارج در اینجا باشد بنده میدانم که این کلمه (باید) را بچه ملاحظه گفتند برای اینکه اینجا ایران است و زبان ما ایرانی است و تا آنجائی که ممکن است باید سعی بکنند که قوانین زبان خودمان نوشته بشود نهایت اگر خودشان نمیدانند ممکن است از کسانی که نظامی هستند و اطلاع دارند کسب اطلاع بکنند .

رئیس - حالا در شور دوم ممکن است این اصلاحات بشود دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده پنجم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۵) دوموقبیکه رتبه صاحب منصبی ویا ترفیع رتبه بکسی داده میشود باید فرمان مضم و مهور همایونی بامهر و امضاء وزیر جنگ صادر بشود و این فرمان در تمام مدت خدمت صاحب منصب در محل استخدام اوثبت وضبط میشود .

رئیس - مخالفی هست ؟
حاج شیخ الرئیس - بنده فقط یک مناقشه لفظی دارم میخواستم عرض کنم که (مضم و مهور) عبارت ناموزونی است همان (بامضاء) کفایت میکند مضم و مهور غلط است .

حاج شیخ اسدالله - در اینجا مینویسد که (در محل استخدام اوثبت وضبط میشود) این عبارت

این بود که دولت هروقت مقتضی میدید یک رتبه را تاسیس می کرد و آن را یکی از مراتب نظامی قرار میداد مثل اینکه در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه میرینجی بود امیر تومانی بود امیر یونانی بود سرداری هم بود که فوق اینها بود بعد کم کم که اینها تجلیل رفت و در این اواخر رتبه سرتیب اولی را میرینجی می گفتند ولی در فرمان نمی نوشتند و چون این قانون نبود که مدون شده باشد و قانونیت نداشت این بود که این طرح از طرف بعضی از نمایندگان پیشنهاد شد که از مجلس بگذرد که یک قانون مدونی بشود و بمباند در باب درجات هم ملاحظه می فرمایند که ۹ درجه قرار داد شده است اگر چه سابق بر این بیشتر از اینها بود یعنی ۱۴ درجه بود و آن درجات هم بطوری که نوشته شده است **رئیس** - این از موضوع خارج است)
لواء الدوله - چون درجات را خواستند از اینجهت میخواهم عرض بکنم .
رئیس - درجات را نخواستند الفاظ خارج از قبیل اسکادرون را گفتند که بفارسی نوشته شود دست بود و بجز دسته هیچ چیز دیگری نبود که استعمال بشود و حالا این قانون از قوانین خارجیه اقتباس شده معمول شده است باید بهمان لغات نوشته شود و اینکه میفرمایند بفارسی گفته شود (باتری) یکدسته صد نفر از توپخانه است (اسکادرون) یکدسته صد نفر است در سواره (گروهان) یکدسته صد نفر سواره باهشتاد نفر پیاده است اینها یک لغاتی است که در خارج وضع شده است و ما تا با امروز نتوانسته ایم از برای آن یک لغتی وضع بکنیم .

ارباب کیخسرو - بنده خیلی تعجب میکنم که آقای مخیر خارج از سؤال بنده جواب فرمودند و در عده هم که فرمودند گویا اشتباه کردند بعلاوه میگویند باید لفظ خارج در اینجا باشد بنده میدانم که این کلمه (باید) را بچه ملاحظه گفتند برای اینکه اینجا ایران است و زبان ما ایرانی است و تا آنجائی که ممکن است باید سعی بکنند که قوانین زبان خودمان نوشته بشود نهایت اگر خودشان نمیدانند ممکن است از کسانی که نظامی هستند و اطلاع دارند کسب اطلاع بکنند .

رئیس - حالا در شور دوم ممکن است این اصلاحات بشود دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده پنجم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۵) دوموقبیکه رتبه صاحب منصبی ویا ترفیع رتبه بکسی داده میشود باید فرمان مضم و مهور همایونی بامهر و امضاء وزیر جنگ صادر بشود و این فرمان در تمام مدت خدمت صاحب منصب در محل استخدام اوثبت وضبط میشود .

رئیس - مخالفی هست ؟
حاج شیخ الرئیس - بنده فقط یک مناقشه لفظی دارم میخواستم عرض کنم که (مضم و مهور) عبارت ناموزونی است همان (بامضاء) کفایت میکند مضم و مهور غلط است .

حاج شیخ اسدالله - در اینجا مینویسد که (در محل استخدام اوثبت وضبط میشود) این عبارت

این بود که دولت هروقت مقتضی میدید یک رتبه را تاسیس می کرد و آن را یکی از مراتب نظامی قرار میداد مثل اینکه در اوائل سلطنت ناصرالدین شاه میرینجی بود امیر تومانی بود امیر یونانی بود سرداری هم بود که فوق اینها بود بعد کم کم که اینها تجلیل رفت و در این اواخر رتبه سرتیب اولی را میرینجی می گفتند ولی در فرمان نمی نوشتند و چون این قانون نبود که مدون شده باشد و قانونیت نداشت این بود که این طرح از طرف بعضی از نمایندگان پیشنهاد شد که از مجلس بگذرد که یک قانون مدونی بشود و بمباند در باب درجات هم ملاحظه می فرمایند که ۹ درجه قرار داد شده است اگر چه سابق بر این بیشتر از اینها بود یعنی ۱۴ درجه بود و آن درجات هم بطوری که نوشته شده است **رئیس** - این از موضوع خارج است)
لواء الدوله - چون درجات را خواستند از اینجهت میخواهم عرض بکنم .
رئیس - درجات را نخواستند الفاظ خارج از قبیل اسکادرون را گفتند که بفارسی نوشته شود دست بود و بجز دسته هیچ چیز دیگری نبود که استعمال بشود و حالا این قانون از قوانین خارجیه اقتباس شده معمول شده است باید بهمان لغات نوشته شود و اینکه میفرمایند بفارسی گفته شود (باتری) یکدسته صد نفر از توپخانه است (اسکادرون) یکدسته صد نفر است در سواره (گروهان) یکدسته صد نفر سواره باهشتاد نفر پیاده است اینها یک لغاتی است که در خارج وضع شده است و ما تا با امروز نتوانسته ایم از برای آن یک لغتی وضع بکنیم .

ارباب کیخسرو - بنده خیلی تعجب میکنم که آقای مخیر خارج از سؤال بنده جواب فرمودند و در عده هم که فرمودند گویا اشتباه کردند بعلاوه میگویند باید لفظ خارج در اینجا باشد بنده میدانم که این کلمه (باید) را بچه ملاحظه گفتند برای اینکه اینجا ایران است و زبان ما ایرانی است و تا آنجائی که ممکن است باید سعی بکنند که قوانین زبان خودمان نوشته بشود نهایت اگر خودشان نمیدانند ممکن است از کسانی که نظامی هستند و اطلاع دارند کسب اطلاع بکنند .

رئیس - حالا در شور دوم ممکن است این اصلاحات بشود دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد) ماده پنجم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۷) تمام اشخاص که بسمت صاحب منصبی شمشیر بنده نظام مملکت ایران پذیرفته میشوند مجبوراً از اولین درجه نظامی که منصب نایب دومی باشد شروع کرده متدرجاً بترتیبی که معین شده است مراتب نظامی را طی میکنند ولی اشخاصی که در نظام یکی از دول متهمه مستخدم باشند و بعد از مرعات قوانین مملکتی بخواهند داخل نظام ایران شوند هر رتبه که در قشون دول مذکور داشته

را میخواستم توضیح بدهند که یعنی چه .
لواء الدوله - عرض کنم یک عبارتی آقای ارباب فرمودند و یک عبارتی هم آقای حاج شیخ اسدالله که چون تقریباً یک اندازه بیند بر میخورد لازم میدانم جواب عرض کنم چون بنده نظامی هستم حالا اگر اظهار بکنم که قریب هجده سال بنده در نظام خدمت کرده ام شاید خوش نباشد برای اینکه خودستائی است لکن بدبختانه وزراء جنک ما یک قانونی و یک ترتیبی برای رتبهها و دسته بندیهای نظامی مامعین کرده اند در صورتیکه وزراء باید برای افراد قشون و دسته های نظام رتبه هائی معین بکنند که بآن ترتیب رفتار بشود نه اینکه هر فردی از افراد نظام باید برای این دسته بندیها یک لفظ و یک لغتی وضع بکنند که مناسب لغات ایرانی باشد بنده یکی از اشخاصی هستم که شخص آقای ارباب هروقت که دفاع میکند از کلمات خارجیه عقبسراشان هستم یعنی تأیید میکنم ایشان را و هیچ رضائی نیستم باین که کلمات فرانسسه یا لغات خارجیه در قانون نوشته شود .

رئیس - این اظهارات باز از موضوع مذاکره ما خارج است (جمله در محل استخدام اوثبت وضبط میشود) را خواستند که توضیح بدهید .

لواء الدوله - بله همان را میخواهم عرض بکنم و اما در خصوص مطلبی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند اینجا مینویسد که وقتی که برای ترفیع رتبه یک صاحب منصبی فرمانی صادر شد آن فرمان در محل استخدام آن صاحب منصب ثبت و ضبط میشود یک دقتی هست که بهر کس که ترفیع رتبه میدهند در آنجا ثبت میشود مثلاً مینویسد فلان صاحب منصب که رتبه سلطانی یا باوری داشته است از فلان تاریخ رتبه سرهنگی باو داده شد و این را برای این مینویسند که بعد از چهار پنج سال هر قدر که در قانون معین بشود اگر بخواهند باو ترفیع رتبه بدهند بآن دفتر رجوع میکنند و می بینند که موقع ترفیع رتبه آورسیده است یا نرسیده است .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید؟
حاج شیخ اسدالله - باین اظهارات آقای مخیر متقاعد نشدم ولی عرضی هم ندارم .

رئیس - پس ماده ششم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۶) اعطاء درجات نظامی که برای تا بنین تعیین شده است پس از اعلان و درج در دستور روزانه فوج رسمی خواهد شد .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) ماده هفتم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده (۷) تمام اشخاص که بسمت صاحب منصبی شمشیر بنده نظام مملکت ایران پذیرفته میشوند مجبوراً از اولین درجه نظامی که منصب نایب دومی باشد شروع کرده متدرجاً بترتیبی که معین شده است مراتب نظامی را طی میکنند ولی اشخاصی که در نظام یکی از دول متهمه مستخدم باشند و بعد از مرعات قوانین مملکتی بخواهند داخل نظام ایران شوند هر رتبه که در قشون دول مذکور داشته

را خواهند داد و ممکنست یک شق دیگری هم در اینجا فرض کرد که مثلاً یک صاحب منصبی که در قشون خارجه صاحب منصب بوده است بیاید بایران و بعد با شرایط تغییر تابعیت بخواهد داخل نظام ایران شود آنوقت چه رتبه را باید باو واگذار کرد البته باید همان رتبه را که سابقاً در قشون خارجه دارا بوده است باو داد و اگر غیر از این باشد در حقیقت یک ظلمی است که در حق او شده است **رئیس** - دیگر مخالفی نیست ماده ۸ قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۸) - در طی رتبه هائی که برای تا بنین تعیین شده است شرایط ماده (۷) منظور است .
رئیس - در این ماده کسی مخالف است؟ (اظهاری نشد) کسی مخالف نیست ماده نهم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۹) - فقط کسانی که دارای شرایط ذیل

باشند همان رتبه در نظام ایران بایشان داده خواهد شد

آقا شیخ محمد حسین - پس این با تبعیت ایرانی که در اینجا نوشته است منافات خواهد داشت .

معزز الملک - در اینجا مقصود از این ماده نه آن صاحب منصبانی است که در خدمت دولت دیگری هستند بلکه مقصود این است که ممکن است یکمده از اتباع دولت ایران بروند در خارجه و دارای یک رتبه نظامی بشوند مثلاً یک نفر ایرانی برود در فرانسه داخل قشون بشود و برسد بدرجه باوری بعد از آنجا بیاید بایران و بخواهد داخل خدمت نظامی ایران بشود حالا در یک همچوموردی اگر ما بخواهیم بترتیب این قانون عمل بکنیم باید بگوئیم که او باید از درجه دوم شروع بکنند تا اینکه متدرجاً برسد بآن مقامی که در نظام فرانسه داشته بوده است این طبیعتاً معلوم است که یک ظلمی است بر آن شخص در صورتی که شاید بعضی شرایط آن از قبیل سن و چیزهای دیگر آن گذشته باشد باین جهت پیش بینی شد که اگر یک چنین کسی پیدا شد و خواست داخل خدمت بشود با سایر شرایطی که در آن مورد باید دارا باشد همان رتبه را که در مملکت خارجه دارا بوده است در اینجا باو خواهند داد و ممکنست یک شق دیگری هم در اینجا فرض کرد که مثلاً یک صاحب منصبی که در قشون خارجه صاحب منصب بوده است بیاید بایران و بعد با شرایط تغییر تابعیت بخواهد داخل نظام ایران شود آنوقت چه رتبه را باید باو واگذار کرد البته باید همان رتبه را که سابقاً در قشون خارجه دارا بوده است باو داد و اگر غیر از این باشد در حقیقت یک ظلمی است که در حق او شده است **رئیس** - دیگر مخالفی نیست ماده ۸ قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۸) - در طی رتبه هائی که برای تا بنین تعیین شده است شرایط ماده (۷) منظور است .
رئیس - در این ماده کسی مخالف است؟ (اظهاری نشد) کسی مخالف نیست ماده نهم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۹) - فقط کسانی که دارای شرایط ذیل

باشند همان رتبه در نظام ایران بایشان داده خواهد شد

آقا شیخ محمد حسین - پس این با تبعیت ایرانی که در اینجا نوشته است منافات خواهد داشت .

معزز الملک - در اینجا مقصود از این ماده نه آن صاحب منصبانی است که در خدمت دولت دیگری هستند بلکه مقصود این است که ممکن است یکمده از اتباع دولت ایران بروند در خارجه و دارای یک رتبه نظامی بشوند مثلاً یک نفر ایرانی برود در فرانسه داخل قشون بشود و برسد بدرجه باوری بعد از آنجا بیاید بایران و بخواهد داخل خدمت نظامی ایران بشود حالا در یک همچوموردی اگر ما بخواهیم بترتیب این قانون عمل بکنیم باید بگوئیم که او باید از درجه دوم شروع بکنند تا اینکه متدرجاً برسد بآن مقامی که در نظام فرانسه داشته بوده است این طبیعتاً معلوم است که یک ظلمی است بر آن شخص در صورتی که شاید بعضی شرایط آن از قبیل سن و چیزهای دیگر آن گذشته باشد باین جهت پیش بینی شد که اگر یک چنین کسی پیدا شد و خواست داخل خدمت بشود با سایر شرایطی که در آن مورد باید دارا باشد همان رتبه را که در مملکت خارجه دارا بوده است در اینجا باو خواهند داد و ممکنست یک شق دیگری هم در اینجا فرض کرد که مثلاً یک صاحب منصبی که در قشون خارجه صاحب منصب بوده است بیاید بایران و بعد با شرایط تغییر تابعیت بخواهد داخل نظام ایران شود آنوقت چه رتبه را باید باو واگذار کرد البته باید همان رتبه را که سابقاً در قشون خارجه دارا بوده است باو داد و اگر غیر از این باشد در حقیقت یک ظلمی است که در حق او شده است **رئیس** - دیگر مخالفی نیست ماده ۸ قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۸) - در طی رتبه هائی که برای تا بنین تعیین شده است شرایط ماده (۷) منظور است .
رئیس - در این ماده کسی مخالف است؟ (اظهاری نشد) کسی مخالف نیست ماده نهم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۹) - فقط کسانی که دارای شرایط ذیل

باشند همان رتبه در نظام ایران بایشان داده خواهد شد

آقا شیخ محمد حسین - پس این با تبعیت ایرانی که در اینجا نوشته است منافات خواهد داشت .

معزز الملک - در اینجا مقصود از این ماده نه آن صاحب منصبانی است که در خدمت دولت دیگری هستند بلکه مقصود این است که ممکن است یکمده از اتباع دولت ایران بروند در خارجه و دارای یک رتبه نظامی بشوند مثلاً یک نفر ایرانی برود در فرانسه داخل قشون بشود و برسد بدرجه باوری بعد از آنجا بیاید بایران و بخواهد داخل خدمت نظامی ایران بشود حالا در یک همچوموردی اگر ما بخواهیم بترتیب این قانون عمل بکنیم باید بگوئیم که او باید از درجه دوم شروع بکنند تا اینکه متدرجاً برسد بآن مقامی که در نظام فرانسه داشته بوده است این طبیعتاً معلوم است که یک ظلمی است بر آن شخص در صورتی که شاید بعضی شرایط آن از قبیل سن و چیزهای دیگر آن گذشته باشد باین جهت پیش بینی شد که اگر یک چنین کسی پیدا شد و خواست داخل خدمت بشود با سایر شرایطی که در آن مورد باید دارا باشد همان رتبه را که در مملکت خارجه دارا بوده است در اینجا باو خواهند داد و ممکنست یک شق دیگری هم در اینجا فرض کرد که مثلاً یک صاحب منصبی که در قشون خارجه صاحب منصب بوده است بیاید بایران و بعد با شرایط تغییر تابعیت بخواهد داخل نظام ایران شود آنوقت چه رتبه را باید باو واگذار کرد البته باید همان رتبه را که سابقاً در قشون خارجه دارا بوده است باو داد و اگر غیر از این باشد در حقیقت یک ظلمی است که در حق او شده است **رئیس** - دیگر مخالفی نیست ماده ۸ قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۹) - فقط کسانی که دارای شرایط ذیل

باشند همان رتبه در نظام ایران بایشان داده خواهد شد

باشند می‌توانند بر تبه صاحب‌منصب شمشیر بند دولت ایران نائل شوند .

- (۱) تابعیت ایران .
- (۲) صحت مزاج و نداشتن نقصان در خلقت که مانع خدمت‌نظامی باشد .
- (۳) فارغ‌التحصیل شدن از مدارس نظامی و یادداشتن شهادت نامه از کمیسیون امتحان مذکور در ماده (۱۲) .

(۴) نبودن سن کمتر از (۱۸) سال .

(۵) محکوم نبودن باعمال و جنایاتی که سلب شرف از او کرده باشد .

رئیس - مخالفی هست ؟

حاج شیخ اسدالله - خواستم سؤال کنم

که علاوه بر این شرایط که نوشته‌اند مواعی هم از برای دخول در خدمت نظامی نوشته‌اند یا خیر چون در این موادی که بنده می‌بینم چیزی نوشته نشده است و چیزهایی هم هست که باید در اینجانب نوشته شود و نوشته نشده است مثل اینکه درجه اول سن را نوشته‌اند و حد اکثرش را معین نکرده‌اند در صورتیکه باید معین بشود و از جمله چیزهایی که لازم است در اینجا نوشته شود و نوشته‌اند این است که مستخدمینی که داخل خدمت نظامی میشوند چه تا این چه صاحب‌منصب باید مبتلا بوافور نباشند

معزز الملک - اما در باب سن حداکثرش

اگر مطالعه می‌فرمودند در یکی از مواد نوشته شده است که از آن حد نباید تجاوز بکند و در باب وافور هم که هنوز قسطن و منع نشده است و فعلاً در مملکت هست در این صورت گمان می‌کنم بشود یک چنین چیزی را در قانون کنج‌ناید

حاج سید ابراهیم - بنده گمان می‌کنم که

خوب بود این ماده بعد از تعیین اصل استخدام سربازی و ترتیب اخذ آن ذکر بشود و دیگر اینکه در فقره پنجم این ماده می‌نویسد « محکوم نبودن باعمال و جنایاتی که سلب شرف از او کرده باشد » می‌خواستم عرض کنم که مایک میزانی و یک قانون معینی در این خصوص نداریم که میزان سلب شرف نظامی چیست و بحسب قواعد دینیه هم یک چنین عنوانی در دست نیست که ما بدانیم بارتکاب عملی از آن اعمال سلب شرف از شخص میکند و در این صورت این حواله بر مجهول است که ما می‌گوییم محکوم نبودن بجنایاتی که بواسطه آن سلب شرف از او شده باشد برای اینکه هنوز در تحت قواعد علمی ما یک همچو چیزی نیست باین جهت تصور می‌کنیم که ذکر این در اینجا بی نتیجه است .

معزز الملک - اما در مسئله اول که فرمودند

اول ترتیب شرایط سرباز گیری میبایستی معلوم شده باشد اگر دقت می‌فرمودید التفات می‌کردید باینکه این قانون راجع بتأیین نیست راجع بصاحب منصب است و در باب سرباز گیری هم ممکن است در هر مملکتی یک نوع را صلاح بدانند یا بطرز بنچه بندی یا بطرز داوطلبی یا طورهای دیگر و هر کدام از آنها یک ترتیبی دارد و در هر حال درجات آنها فرق نمی‌کنند ولی برای رسیدن بدرجه صاحب‌منصبی یک درجه و مرتبه لازم است و اینها هم هیچکدام مربوط بهم نیستند و از این جهت است که

که در این قانون از آن باب ذکر نشده است ولی طرح سرباز گیری یک مبحث خیلی مفصل طولانی است که شاید هم صلاح نباشد حالا ما داخل در آن مبحث بشویم و در هر صورت باید یک ترتیبی را معین کرد از برای رسیدن بمقام صاحب‌منصبی و اما در باب محکوم باعمال و جنایاتی که بواسطه آن سلب شرف از او شده باشد در اینجا خوب است نمایندگان محترم این مسئله را یک مرتبه قطع و محرز شده فرض بکنند که زندگی نظامی را بهیچ وجه نمی‌شود تطبیق کرد با زندگی غیر نظامی زندگی نظامی یک شرایط و ترتیب مخصوص دارد که آن را هیچ نمی‌شود قیاس کرد بیک زندگی دیگری بسا چیزها است که اکیداً ممنوع است و زندگی نظامی و سلب شرف نظامی را میکند که در زندگی عادی بهیچ وجه ممنوع نیست و این مغایرتی هم که هست مابین زندگی نظامی و زندگی غیر نظامی البته بواسطه همان چیزهایی است که از نظا می‌خواهند و البته نظام در تمام جاها یک طبقه است که همیشه باید در انظار محترم باشد تا اینکه بتواند حفظ انتظام مملکت را بکنند این است که مقنن همیشه باید سعی باشد که حتی الامکان آن کسانی که مرتکب یک اعمالی میشوند که بواسطه آن سلب شرف از آنها میشود نگذارد داخل این طبقه محترمه بشوند و باین جهت است که در اینجا قید شده است که نباید آن کسی که داخل در این خدمت می‌خواهد بشود محکوم باعمال و جنایاتی شده باشد که بواسطه آن سلب شرف از او شده باشد و این یک چیزی بود که بنده تصور نمی‌کردم یک سوء تفاهمی در آن شود و محتاج بمذاکره باشد بجهت اینکه این یکی از چیزهای معمولی تمام دنیا است .

حاج شیخ اسدالله - بنده چون این مطلب

بنظرم خیلی مهم است تکرار می‌کنم و تقاضا می‌کنم که آقای مخبر هم بپذیرند و قبول بکنند که در این ماده زیاد بشود که نظامی باید وافوری نباشد و این که می‌فرمایند این یک چیزی است که تابحال در مملکت معمول بوده است بنده هم تصدیق دارم ولی عرض می‌کنم که حالا مامی خواهیم یک قانونی برای نظام مملکت خودمان بنویسیم که بواسطه آن نظام مملکت ما از اشخاص کافی کاری باشند تا این که بتوانند از عهده خدمت بر بیایند و چیزی که خیلی مانع است ایشان را از اینکه مشغول خدمات خودشان باشند یکی همین شرب تریاک است و شرب سوخته و کسی که مبتلا شد باین بلیه عقیده بنده این است که بهیچ امری از امور شخص خودش هم نرسد چه رسد بخدمت دولتی و خدمت نظامی و اینگونه اشخاص را باهیچ وجه نمی‌توانیم رأی بدهیم که داخل نظام مملکت ما بشوند یا اینکه ساکت باشیم که یک چنین قانونی از مجلس شورای ملی بگذرد و صرف نظر بکنیم از اینکه بنویسیم صاحب منصبان نظامی ما نباید مبتلا بکشیدن تریاک یا سوخته آن باشند و چون اگر بنده پیشنهاد بکنم میدانم که پذیرفته نمیشود از این جهت استدعا می‌کنم از آقای معزز الملک که این طرح را چون خودشان پیشنهاد کرده‌اند اضافه بکنند و در این ماده که صاحب منصبان بلکه تا این هم نباید مبتلا باین مرض باشند بجهت اینکه آنها را که مبتلا باین مرض هستند ابدأ نمی‌توانند از عهده خدمت

نظامی بر بیایند و ما هم بهیچوجه از وجود آنها فایده نخواهیم برد .

لواء الدوله - عرض کنم که برای

صاحب منصب در باب داخل شدن در مدرسه نوشته شده است که چه شرایطی را باید دارا باشد مبتلا بچه مرض نباشد تریاک نکشد و امثال اینها و طبیعی که در آن مدرسه هست او را امتحان میکند وقتی که تصدیق کرد که اودارای آن شرایط هست آن وقت اذن دارد که وارد مدرسه بشود و از این جهت یک فقره از این ماده این است که صحت مزاج داشته باشد و اشخاصی که مبتلا بوافور هستند که صحت مزاج ندارند در هر صورت عقیده کمیسیون همین است که عرض کردم حالا آقای حاج شیخ اسدالله که این مسئله را می‌فرمایند خودشان پیشنهادی بکنند و قبول بشود .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی نیست) .

حاج سید ابراهیم - بنده با این فرمایش

که آقای معزز الملک فرمودند مخالف نبودم و ایشان هم مخالف اظهار بنده چیزی فرمودند بنده عرض می‌کنم که حواله بر شیشی مجهولی که لفظش در هیچ قانونی نوشته نشده است و معلوم نیست که آن اعمال چه چیز است صحیح نیست فرمودند که همه می‌دانند بنده اگر از همه هستم که هیچ نمی‌دانم اعمالی که ارتکاب آنها سلب شرف از نظامی میکند کدام است اگر لفظ جنایات تنها بود باز می‌گفتم جنایات یک چیزی است که نظامی یا غیر نظامی آنها را مرتکب بشود فلان مجازات دارد ولی اعمال را هیچ نمیشود فهمید که مقصود از آن چیست مثلاً همین تریاک کش را بنده نمی‌دانم که سلب شرف می‌کند یا نمیکند بله اگر یک قانونی ماقبل از این در دست داشته بودیم که این اعمال را شرح میداد آنوقت ممکن بود که این را در اینجا بنویسیم که اگر نظامی یک کاری بکند که منافعی با آن قانون باشد محکوم می‌شود و سلب شرف او شده است ولی وقتی که ما چنین قانونی نداریم قید کردن این لفظ بدون اینکه در عادیات و در قواعد دینیه خودمان یک میزانی را در دست داشته باشیم حواله کردن بیک چیزی که هیچ کس چیزی از آن نمی‌فهمد و یک میزانی ندارد گمان نمی‌کنم که صحیح باشد .

لواء الدوله - عرض کنم گمان بنده این

بود که مطلبی را که آقای معزز الملک فرمودند اگر شما می‌پذیرفتید صرفه ما بود برای اینکه نمی‌شود تصریح کرد در قانون بنده نمی‌دانم چه عرض کنم مثلاً یکی از اعمال دزدی است که برای نظامی سلب شرف است و همینطور کارهای دیگر بعضی چیزها است که نمیشود در اینجا گفت و اگر بنده بگویم شاید مقتضای حشمت مجلس نباشد .

رئیس - حالا دیگر گمان می‌کنم مذاکرات

کافی باشد (گفتند کافی است) اصلاحی آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهاد کرده‌اند خوانده می‌شود (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می‌کنم که در ضمن شرایط در ماده ۹ نوشته شود که صاحب منصبان مبتلا برب تریاک و سوخته نباشند .

رئیس - مخبر این اصلاح را قبول میکند ؟

لواء الدوله - عرض کنم بنده نمی توانم این پیشنهاد را قبول بکنم برای اینکه عرض کردم که قانونی برای ترتیب دخول در مدرسه نظامی نوشته شده است والان در مجلس و در کمیسیون نظام است و در آن قانون مخصوصاً يك فصلی در این خصوص نوشته شده است .

آقا شیخ اسدالله - در فلان قانون نوشته شده است یا نشده است بنده خبر ندارم در اینجا لازم است نوشته بشود و ننوشته اند و این را موکول کردن يك قانونی که از برای فلان مدرسه نوشته می شود ربطی باین قانون ندارد از این جهت بنده پیشنهاد کردم که در ضمن همین ماده این جمله زیاد بشود که صاحب منصب ها نباید مبتلا بشرب تریاک یا سوخته باشند .

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آقای حاج شیخ اسدالله آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با کثرت قابل توجه شد اگر مخالفی نباشد بقیه این قانون را از ماده دهم بگذاریم برای جلسه آتی (گفتند صحیح است) يك راپورتی از کمیسیون پست و تلگراف رسیده است راجع بتعرفه مجازات تلگرافی و يك لایحه هم از وزارت امور خارجه رسیده است راجع بکشیدن اوله آهنی از انزلی برشت اگر مجلس موافق است بفرستیم بکمیسیون خارجه و کمیسیون فوائد عامه راپورت هم طبع و توزیع میشود آقای معزز الملک با (۴۵) رأی آقای مشیر حضور با (۲۰) رأی بعضویت کمیسیون قوانین مالیه انتخاب شده اند - دستور جلسه آتی - قانون ترفیع مرتبه نظامی از ماده دهم - راپورت کمیسیون معارف راجع بماده ششم قانون معارف چند نفر از آقایان یعنی (۱۵) نفر تقاضا کرده اند که راپورت کمیسیون بودجه که جدیداً آمده است راجع به یوسف مجاهد جزء دستور بشود و همچنین جمعی تقاضا کرده اند که راپورت کمیسیون بودجه راجع بفروش نسوان جزء دستور بشود یعنی اسرائی بوده اند که پس گرفته اند و يك وجهی خواسته اند برای این کار در این خصوص مخالفی هست (گفتند صحیح است) - آقای افتخار الواعظین راجع بکمیسیون مبتکرات اظهاری داشتید .

افتخار الواعظین - حضرت والا آقای سلیمان میرزا در بین فرمایشات در باب نسخ قانون انحصار نمک يك فرمایشی فرمودند که موهم این بود که کمیسیون مبتکرات آن لایحه که از طرف آقایان حزب دموکرات راجع به نسخ قانون نمک بمجلس پیشنهاد شده بود و بکمیسیون مبتکرات رجوع کرده بودند در دادن راپورت در خصوص آن مسامحه کرده بود اگرچه بنده میدانم که مقصود حضرت والا این نبود ولی چون موهم این مسئله بوده ناچارم اقدامات کمیسیون را در این باب عرض کنم عرض میکنم وقتی که این طرح از طرف مجلس بکمیسیون مبتکرات رجوع شده آقایان میدانند کمیسیون مبتکرات که فلسفه وجودش این است که طرحهایی که از طرف نمایندگان محترم پیشنهاد می شود برود بکمیسیون مبتکرات و کمیسیون مبتکرات نظرات

خودش را در آن بکنند و پس از آنی که در آن کمیسیون قابل توجه شد راپورت قابل توجه بودن آن که از کمیسیون مبتکرات داده میشود بکمیسیون مربوطه بآن کار رجوع میشود و چون این يك طرحی بود که از طرف نمایندگان پیشنهاد شده بود و بکمیسیون مبتکرات رجوع شده بود لازم بود کمیسیون مبتکرات برای قابل توجه دانستن آن تحصیل بعضی اطلاعات بکند این بود که در دو جلسه از بیست نفر از آقایان محترم از طرف کمیسیون دعوت شد و از رئیس اداره نمک هم دعوت شد و از وزارت مالیه هم دعوت شد که يك نفر بفرستند که اینها بیایند و در آنجا مذاکره بشود و بعد از اینکه کمیسیون از معلومات آنها کسب اطلاع کرد نظریات خودش را بکند و راپورت بدهد چند نفری از آقایان آمدند باقی تشریف نیاوردند رئیس اداره نمک هم آمد و توضیحاتی داد بجهت اینکه آن پیشنهادی را که آقایان کرده بودند که دودلیل داشتند برای حذفش یکی این بود که این اداره کلیتاً آنچه ماتحقق کرده ایم از برای دولت منافع و فوایدی نداشته است و دیگر اینکه صادرات و واردات مملکت تغییر کرده است و پس از اینکه از روی دفاتر و حساب در کمیسیون دقت کرده ایم (شصت و هشت هزار تومان) بعد از وضع مخارج اداری این اداره بدوات پول داده است که ده هزار تومان آن .

رئیس - از موضوع خارج شدید شما فرمودید سوء تفاهمی شده است میخواهم آن سوء تفاهم را رفع بکنم حالا دارید داخل جزئیات این مسئله میشوید و میخواهید اقدامات کمیسیون را بفرمائید .

افتخار الواعظین - چون آقای رئیس اجازه نمیدهند که بنده اقدامات مفصل کمیسیون را عرض کنم همینقدر عرض می کنم که کمیسیون مبتکرات در انجام وظیفه خودش کوتاهی نکرده است و در ضمن اینکه مشغول باینکه تحقیقات خودش را بکنند و راپورت بدهد که آن لایحه قطعاً قابل توجه است یا نیست پیشنهادی از طرف وزارت مالیه بمجلس داد و تقاضا کرد که این لایحه هم رجوع بشود بکمیسیون قوانین مالیه و آن راپورت هم نوشته شده بود ولی بدبختانه در دو جلسه که بنا بود آن راپورت خوانده بشود و رأی بدهند بجز بنده و آقای لسان الحکماء باقی اعضاء حاضر نشدند که در حضور آنها راپورت قرائت بشود و بمجلس فرستاده شود و از این جهت بنده میخواستم عرض کنم که کمیسیون مبتکرات بهیچوجه کوتاهی و تقصیری نکرده است و راپورتش حاضر بوده است ولی اعضایش حاضر نشدند که رأی گرفته شود و بمجلس تقدیم شود .

رئیس - آقای سلیمان میرزا اجازه خواسته اند گمان میکنم که در این باب فرمایشی دارید گویا لازم نباشد برای اینکه خودشان در ضمن نطق خودشان فرمودند که شما چنین مقصودی رانداشته اید .

حاج شیخ رئیس - در جلسات سابقه عرض کردم که کمیسیون عدلیه محتاج است يك نفر منشی که متخصص در این کار باشد و آقای آقامیرزا رضا خان را برای اینکار انتخاب کردند و از آن روز تا بحال ابدأ بکمیسیون نیامده اند و استعفا هم نداده اند که دیگری بجای ایشان انتخاب بشود و باین واسطه کار انشاء کمیسیون بهمینطور معطل مانده است

و بنده هم اگر چه تا اندازه می توانم تحریر بکنم ولی از عهده این کار بر نمی آیم از اینجهت استعفا دارم که يك نفری را که متخصص در اینکار باشد و استعفا هم ندهد معین بفرمائید که رفع این اشکال بشود .

رئیس - چون ایشان که استعفا نداده اند و تا معلوم نشود که استعفا داده اند که نمی توانیم بجای ایشان منشی دیگری انتخاب بکنیم الان هم که حاضر نیستند تا خودشان اظهار بکنند بعد از اینکه حاضر شدند استفسار میشود اگر عضویت را قبول نمیکنند و استعفا داده اند بجای ایشان انتخاب میشود .

حاج شیخ رئیس - اگر چه استعفای رسمی همینطوریکه فرمودید نداده اند ولی بعد از انتخاب ایشان اظهار کردم که کارهای کمیسیون معطل است چرا تشریف نیاورید جواب دادند که من استعفا داده ام باین ترتیب بنده بر حسب وظیفه خودم در موقعی که جلسه کمیسیون تشکیل شده است ایشان را غایب نوشتم چون هنوز استعفای رسمی همینطوریکه فرمودند نداده اند .

رئیس - در هر حال تا استعفای رسمی نداده اند نمی شود بجای ایشان دیگری را انتخاب کرد این موقع را مغتنم میشمارم که عرض بکنم که آقای مرتضی قلیخان واخوی ایشان چون کار فوری داشتند از بنده ده روز اجازه گرفته اند بنده هم اجازه دادم ولی فراموش کردم که بعرض مجلس برسانم و حالا برای اینکه آقایان مطلع باشند عرض کردم .

(مجلس نیمساعت از شب گذشته ختم شد)
حاج میرزا رضاخان

جلسه ۲۵۵

صورت مشروح روز شنبه پنجم شهر جمادی الاخری ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای متین السلطنه نایب - رئیس افتتاح و در سه ساعت و ده دقیقه قبی از غروب رسماً منعقد گردید .

صورت مجلس جلسه قبل قرائت شد .

غائبین جلسه قبل - بدون اجازه - حاج وکیل الرعایا - حاج محمد کریم خان - آقامیرزا ابراهیم قمی - دهخدا - با اجازه شیبانی از وقت مقرر حاج آقا - ناصر الاسلام - آقا سید محمد باقر ادیب از وقت مقرر هریک نیمساعت دکتر امیر خان - بهجت - هریک سی و پنج دقیقه - طباطبائی چهل دقیقه نیرالسلطان پنجاه دقیقه افتخار الواعظین نجم آبادی یکساعت و پنج دقیقه .

نایب رئیس - آقای قمی در صورت مجلس اظهاری داشتید .

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده پنجشنبه را با جلسه قبل مریض بودم و در صورت مجلس بنده را بدون اجازه نوشته اند عریضه هم بمجلس عرض کرده بودم :

نایب رئیس - کراراً اظهار شده است که اینگونه مسائل راجع بداره مباشرت است .

عز الملک - پریروز تا بنده در مجلس بودم و میشنیدم مؤاخذه از بنده نشد معلوم میشود در موقعی بوده است که بنده در خارج مجلس بودم و در صورت مجلس باید اینطور نوشته شود که در آن واحد رئیس هم اخطار فرمودند هم اخطار باقید در